



وحشی گری های رژیم ، باز تاب فرو پاشی حکومت اسلامی

روی دادهای مهم چند هفته گذشته ایران ، قتل وحشیانه داریوش و پروانه فروهر ، مرگ مشکوک مجید شریف ، یکه تازی باندهای ترور و سرکوب حزب‌اللهی در تهران و برخی شهرستانها، برهم‌زدن مجامع هنری و سیاسی در تبریز، مشهد، تهران و ... توسط این دسته جات ، حمله باندهای حزب الهی به اتوبوس حامل توریست های آمریکائی که همراه با تیراندازی و شکستن شیشه های اتوبوس صورت‌گرفت، اطلاعاتی حزب‌الله‌اصفهان مبنی براین که چنانچه باساخت وپاخت، شهردار سابق تهران تبرئه شود ، خود راسا حکم را به اجرا خواهد گذاشت، ناآرامی‌واعتراض دردانشگاههاو کشته و زخمی شدن‌دهها تن ازنیروهای مزدورو سرکوبگر انتظامی بدست یک سرباز، جملگی باز تاب بحران همه جانبه‌ای‌است که رژیم در چنگال آن دست و پا می‌زند.

قتل های سیاسی چند هفته گذشته را نمی توان در چارچوبی خارج‌ازبحران فروپاشی حکومت اسلامی ارزیابی کرد. این قتل ها را نمی توان همانند قتل های سیاسی گذشته ارزیابی کرد که رژیم برای کشتن بی سر و صدای مخالفین ، ترور آنها را در دستور کار قرار می داد . باز تاب سیاسی داخلی و بین المللی قتل فروهر ها بسی فراتراز دستگیری و یا محاکمه و محکوم کردن آنها بود. بعید است که دستگاه های سرکوب ، اطلاعاتی و امنیتی رژیم که پشت این ترور بوده اند ، ارزیابی بازتاب سیاسی این ترور را نداشته اند. قطعاً هرآدم بی اطلاعی هم در درون رژیم این را می دانست که در شرایطی که رژیم با یک بحران سیاسی‌وخیم روبروست و از درون نیز با تضادها و کشمکش های حادی روبروست، این ترور دیگر وسیله ای برای خاموش کردن صدای مخالفین و مرعوب کردن آنها نخواهد بود بالعکس اعتراض به این وحشی گری ها را گسترده تر خواهد ساخت و بحران دیگری بر بحرانهای رژیم خواهد افزود. معذراوقتی که با تمام این‌اوصاف، ترورهای‌اخیر انجام میگیرند، باید‌انهارادریک چارچوب کلی تر سیاست سرکوب مورد ارزیابی قرار داد . چنین بنظر میرسد که اکنون دیگر لااقل جناح های اصلی رژیم جمهوری اسلامی به‌این نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی توان همانند گذشته بر مردم حکومت کرد. آنها آشکارا پوشیده به‌وجود یک بحران عمیق معترف هستندو هر یک، راه حل خود را برای مقابله با این بحران بمرحله اجرا گذاشته است . یک جناح تحت‌رهبری خاتمی‌در نقش کیوتر ظاهر شده‌ومیخواهد از طریق رفرم های فوق‌العاده سطحی و کاهش اندک از دامنه فشار و سرکوب ، رژیم‌را نجات دهد، و جناح دیگر در نقش باز، خود را برای سرکوبهائی بسی وحشیانه تر از گذشته آماده کرده است ، این جناح که دولت به معنای

صفحه ۲

مکان قانون کار در پیکار علیه سرمایه

در هر جامعه طبقاتی که قدرت سیاسی در دست بورژوازی‌باشد، قوانین، میانی‌ومعیارهای حقوقی این جامعه نیز بر پایه منافع طبقاتی همین طبقه که در ضمن از لحاظ اقتصادی هم بر جامعه مسلط است، تنظیم می گردد و از منافع آن حراست و پاسداری میکند . در جمهوری اسلامی نیز تمامی قوانین جاری جامعه و میانی حقوقی آن، بر همین پایه ، یعنی معطوف به تامین و حفظ منافع‌استثمارگران و مرتجعین است . از آن جمله است قانون کار که در زمره مهمترین این قوانین‌است. در ایران که قدرت سیاسی در دست مشتی بورژوا، تاجر، ملاک و مرتجع مفتخور قرار گرفته‌واساس جامعه

صفحه ۳

توجه

آدرس پست الکترونیک سازمان تغییر کرده است.
آدرس جدید را بخاطر بسپارید:

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaeian - minority.org

آدرس صندوق پستی ما در سوئد نیز تغییر کرده است. در ضمن یک بار دیگر از همه کسانی که برای نشریه کار نامه می نویسند می خواهیم که نامه های خود را به آدرس های صفحه آخر نشریه کار ارسال کنند.

در این شماره

مصاحبه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی

صفحه ۷

اعتراض به دعوت دولت فرانسه از محمد خاتمی

صفحه ۸

اخبار کارگری جهان

صفحه ۱۱

یادداشت‌های سیاسی

صفحه ۱۶

گزیده ای از نامه های رسیده

صفحه ۱۳

اطلاعیه های سازمان

۱۴ و ۱۲، ۶

اخباری از ایران

صفحه ۹

وظیفه ((هیئت هماهنگی تدارک تریونال بین المللی)) کدام است ؟ ۸

صفحه ۲

رشد افسار گسیخته تورم و کاهش

روز افزون دستمزد واقعی کارگران

در طی چند ماه اخیر ، باردیگر قیمت کالاها و مایحتاج اولیه مردم افزایش جهش وار خود را آغاز کرده است . قیمت برخی کالاها در همین چند ماهی که از سال جاری میگذردو برابر شده است، گوشت ، تخم مرغ و برخی کالاهای دیگر از این نمونه اند. بهای بلیط اتوبوس در تهران از ۵۰ به ۱۰۰ و اکنون به بهانه سریع السیر شدن به ۲۰۰ ریال افزایش یافته است. با ورشکستگی مالی دولت وافزایش حجم کلان مالیاتهای غیر مستقیم در بودجه سال آینده، نرخ تورم در آینده نزدیک دوباره از ۵۰ درصد نیز خواهد گذشت. این رشد افسار گسیخته تورم، شرایط زندگی مادی کارگران

صفحه ۲

دشنه سپاه بر گلوی دانشگاه !

دوازدهم مهرماه ، مجلس ارتجاع " طرح گسترش بسیج دانشجویی" را به تصویب رساند . بموجب این طرح ، " سازمان بسیج دانشجویی نیروی مقاومت" که وابسته به سپاه پاسداران و یکی از شاخه های آن است ، به منظور " جذب آموزش و سازماندهی دانشجویان واساتید جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و بسط تفکر بسیجی" در کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دست به تشکیل "بسیج دانشجویی" میزند . مطابق تصریح یک این قانون ، به منظور "هماهنگی و پشتیبانی از تشکیل ، توسعه و تقویت فعالیت های بسیج

صفحه ۵

وحشی گری های رژیم باز تاب فرو پاشی حکومت اسلامی

رشد افسار گسیخته تورم و کاهش روز افزون دستمزد واقعی کارگران

تا بدان حد ضد دمکراتیک و ارتجاعی است که حتی این حق را از کارگران سلب نموده تا تشکل های مستقل خود را ایجاد کنند و به عنوان یک طبقه در برابر طبقه سرمایه دار قرار بگیرند و حق خود را بستانند. در حالی که کارگران ایران در منتهای فقر و بدبختی زندگی میکنند، سرمایه داران و کارگزاران آنها در دستگاه دولتی هر سال میلیاردها تومان حاصل دسترنج کارگران را به جیب میزنند. در کشوری که دستمزد کارگران حتی بر طبق آمار رسمی دولتی جبران کننده ۴۰ درصد هزینه های حداقل معیشت آنها نیست، یک نماینده مجلس ارتجاع و یا یک مقام دولتی تنها در هر ماه ۴۶۰۰۰۰ تومان به عنوان حقوق و ۲۵۰۰۰۰ تومان به عنوان حق مسکن دریافت می کند و اگر مزایای رسمی دیگری را که از آن برخوردارند به این ارقام اضافه کنیم، حقوق ماهانه آنها به یک میلیون تومان سر میزند و تازه اگر در دوره بعدی هم به عنوان نماینده مجلس انتخاب نشدند، مادام العمر همین حقوق را میگیرند. این ارقام را روزنامه های رژیم در حالی اخیراً افشا کردند که این مرتجعین تقاضای افزایش حقوق خود را کرده اند.

همه این حقایق به آشکار ترین شکلی نشان می دهد که جمهوری اسلامی وظیفه ای جز این ندارد که هرچه بیشتر کارگران ایران را استثمار کند و بر حجم سود و ثروت سرمایه داران و سران و دست اندرکاران دستگاه دولتی بیافزاید. کارگران راه دیگری جز مبارزه متشکل و سرسخت با حکومت اسلامی در پیش ندارند. حداقل چیزی که اکنون کارگران در زمینه افزایش دستمزد میخواهند، این است که دستمزد آنها بر طبق همان ارقام رسمی که دولت اعلام کرده است، به نحوی افزایش یابد که تامین کننده حداقل معیشت آنها باشد یعنی دو برابر شدن دستمزد.

را بازهم وخیم تر نموده و سطح معیشت آنها را به نحو فاجعه باری تنزل داده است. این وضع، تازه در حالی است که روزهای سخت تری در پیش است و هنگامی که دولت بودجه سال آینده خود را به مرحله عمل و اجرا بگذارد و مالیاتهای غیر مستقیم را بازهم افزایش دهد، معلوم نیست که چگونه کارگران باید شکم گرسنه خود و خانواده هایشان را سیر کنند. اگر ملاک را همین چند ماه گذشته قرار دهیم و به آمار رسمی دولتی و دست اندرکاران حکومت استناد کنیم، آنچه که امروز کارگران به عنوان دستمزد دریافت می کنند، جبران کننده حتی نیمی از هزینه های حداقل معیشت آنها نیست. اخیراً رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار که خود از وابستگان حکومت است، در قزوین اعلام نمود که دستمزد کارگران تا به آن حد ناچیز و کم است که تنها جبران کننده ۴۰ درصد هزینه های آنهاست. عین همین آمار را به زبان دیگر، قره باغیان معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی ارائه نمود. او گفت متوسط حقوق کارمندان دولت در حال حاضر ۴۷۰ هزار ریال و متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری یک میلیون و ۱۳۰ هزار ریال است. وقتی که سران و دست اندرکاران رژیم خود رسماً و علناً اعلام میکنند که برای تامین حداقل معیشت کارگران حداقل باید دستمزد آنها حدود ۱۲۰ درصد افزایش یابد، چرا دولت و سرمایه داران از افزایش دستمزد کارگران به همین میزان که خود به ضرورت افزایش آن معترف هستند، سرباز میزنند؟ چرا دولت باز هم هزینه و ورشکستگی مالی اش را برگرداند کارگران قرار میدهد و با افزایش پی در پی مالیاتهای غیر مستقیم، دستمزد واقعی کارگران را کاهش میدهد؟ پاسخ این سوالات روشن است. رژیم حاکم بر ایران پاسدار نظام سرمایه داری و مدافع منافع سرمایه داران است. رژیم حاکم بر ایران، رژیمی

واقعی کلمه را در اختیار دارد و دستگاههای سرکوب را تحت رهبری خود دارد، در مرحله کنونی تاکید ویژه ای را بر سازماندهی دسته جات مسلح غیر رسمی قرار داده است. این دسته جات که سر نخ سازماندهی آنها در دست دستگاه نظامی و انتظامی امنیتی و قضائی و دستگاه روحانیت است، در محلات و حوال و حوش مساجد و دیگر نهادهای مذهبی سازماندهی می شوند و آموزش می بینند. وظیفه آنها، حتی فراتر از دسته جات مشابه اوائل به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی است. چنین بنظر میرسد که این باندهای ترور و سرکوب بنحوی سازماندهی می شوند که آمادگی لازم را برای اعمال خشونت و سرکوب، در مراحل پیشرفته تر جنبش اعتراضی توده های مردم داشته باشند. اینها که امروز اپوزیسیون قانونی رژیم را مورد حمله قرار میدهند و دست به ترور میزنند حتی به گرد هم آئی های طرفداران خاتمی حمله میبرند، دراصل برای زمانی آماده میشوند که اعتصابات و تظاهرات توده ای شکل بگیرند.

این را همه جناح های حکومت می دانند، و بر همه آنها نیز روشن است که چه کسانی در ترورهای اخیر دست داشته و چه کسانی سازمانده و رهبر گروههای ترور اسلامی هستند. لذا عوام فریبی محض است، وقتی که رئیس جمهور حکومت اسلامی از این قتل های سیاسی ابراز تاسف میکند و از دستگاههای امنیتی و انتظامی خود میخواهد که آنها را پیدا کنند و تحویل دستگاه قضائی بدهند. آقای رئیس جمهور حکومت اسلامی گویا مردم را به مسخره گرفته و از دستگاههای سرکوبی که خود سازمانده این دسته جات و برنامه ریزی برای عملیات آنها هستند، میخواهد باندهای ترور اسلامی را شناسائی، دستگیر و مجازات کنند. این آقای عوام فریب، در حالی که مردم را در خانه هایشان با کارد قطعه قطعه میکنند، در خیابانها میریایند و به قتل میرسانند، با پروئی تمام در سخنرانی های خود از آزادی سخن بمیان می آورد، و ادعا میکند که نمیگذارد حقوق مردم پایمال شود. دیگر حقی برای مردم باقی نمانده است که این آقا بخواهد از پایمال شدن آن جلو گیری کند. وقتی که انسان، اوضاع جامعه، اختناق و سرکوب و ترور و وحشت را میبیند، و سخنان این دست پرورده شاید بزرگ قرن، خمینی را می شنود، خواهد گفت که گویا در درون رژیم تقسیم کار صورت گرفته است و نقش آقای خاتمی این است که برای ملت لائیه بخواند. اما مردم از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شوند. خمینی یکبار آنها را خواب کرد، مردمی که تازه از خواب بیدار شده اند، دیگر فریب خاتمی را نخواهند خورد. مردم بپا می خیزند. جنبش های اعتراضی روز به روز گسترده تر میشوند. جنبش طبقه کارگر ایران، هر چند که هنوز بعنوان یک جنبش مستقل سیاسی قدم بعرصه نگذاشته است، اما کارخانه ها مملو از اعتصابات اند. در دانشگاهها، گروههای طرفدار جناحهای رژیم ابتکار عمل را از دست میدهند، و یک جنبش دانشجویی مستقل از حکومت و جناحهای آن پا میگیرد. اینها همه نشانه آن است که مردم

در سالن غذا خوری به گلوله بست.

تردیدی نیست که رژیم در آخرین لحظات عمر ننگین اش به جنایاتی وحشیانه تر از روزهای اخیر متوسل خواهد شد و به سببانه ترین شیوه ها برای سرکوب مبارزات مردم متوسل خواهد شد. اما با این سرعتی که بحران در حال پیشروی است، چندان نخواهد پائید که کارگران و زحمتکشانشان در یک جنبش توده ای وارد میدان شوند و قهر ضد انقلابی حکومت را با قهر انقلابی خود در هم بشکنند و بساط ارتجاع را از ایران جاروب کنند.

به علت تراکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

دو شماره آتی نشریه کار درج می گردد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

مکان قانون کار در پیکار کار علیه سرمایه

ضد کارگری است، با وضوح شگرفی دیده میشود.

مبارزه کارگری ، مرتجعین را عقب راند

بیست سال قبل ، کارگران ایران نظام ارتجاعی و ضد کارگری سلطنتی را که در بند بند قانون کاران، حقوق کارگران پایمال شده و تماما بر پایه منافع بورژواها و استثمار خشن کارگران تنظیم شده بود، سرنگون کردند و خواستار یک رشته تحولات و دگرگونیهای عمیق سیاسی و اقتصادی بودند. در عرصه رویارویی با سرمایه داران و طرح منافع مستقل خویش ، طبقه کارگر تا آنجا که مجموعه شرایط عینی و ذهنی در آن لحظه تاریخی بوی اجازه می داد، گام های مهمی نیز جلو برداشت. اما حکومت جایگزین یعنی جمهوری اسلامی که نظامی بغایت ارتجاعی و ضد کارگر بود، از همان آغاز خصومت آشتی ناپذیر خود با طبقه کارگر را به نمایش گذاشت و در برابر فتوحات طبقه کارگر و پیشرویهایی مبارزه کارگری اعم از ایجاد شوراهای و سایر تشکل های کارگری یا اموری که به نحوه اداره کارخانه ویا مسائلی که به تعیین دستمزدها و وضعیت رفاهی کارگران و سایر امور و مسائل کارگری مربوط میشود، به اقدامات خشونت آمیز و سرکوبگرانه ای دست زد. گروه گروه از پیشروان کارگری در کارخانه ها و مراکز مختلف تولیدی و صنعتی را اخراج و دستگیر نمودو به زندان افکند و شمارزیادی از کارگران را به جوخه های مرگ سپرد. تا اینکه سرانجام در موج کشتار سراسری و سرکوب همه جانبه و خشونت باری که در سال ۶۰ برآورداخت، جنبش ها و اعتراضات کارگری را وحشیانه سرکوب کردو دستاوردهای انقلابی و مبارزاتی طبقه کارگر در عرصه های فوق را که در جریان انقلاب و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و تحولات یکی دو ساله بعد از آن بدست آورده بود، باز پس گرفت.

سرمایه داران و مرتجعین تازه به قدرت خزیده ، در چنین فضائی یعنی بعد از آنکه یک اختناق بی مانندی را بر جامعه حاکم کردند، بحث قانون کار خویش را نیز به میان کشیدند. سرمایه داران که این بار لباس مذهب را برتن و روحانیت مرتجع را نیز بطور تنگاتنگ و همه جانبه ای در کنار و همراه خود داشتند، با استفاده وسیع از دین و اعتقادات مذهبی "جمهوری" خویش را مستقر ساخته و در راستای تحکیم سلطه طبقاتی خود ، قوانین خویش را نیز به آئین اسلام و مذهب آراستند . جمهوری اسلامی در زمینه مسائل کارگری ، (همچنانکه در سایر زمینه ها) به مدد سنن فقهی، آنچنان قانون کاری نوشت، که هیچ سرمایه داری حتی در خواب هم آن را نمی دید. پیش نویس لایحه قانون کاری که سال ۶۱ توسط رژیم تهیه شد، بر مبنای "باب اجاره" فقه اسلامی تنظیم یافته و مشتمل بر دو بخش "اجاره" (یعنی استخدام) و "جعاله" (یعنی دستمزد) بود . توکلی وزیر کار وقت به صراحت گفته بود که بخش اعظم مفاد این قانون از "احکام الهی" نشأت گرفته که نه فقط رای و نظر کارگران ، بلکه رای و نظر هیچ بشر دیگری هم در آن دخیل نبود! در این لایحه فوق ارتجاعی و عهد عتیقی که مفاد آن از تحریر الوسیله و توضیح المسائل و امثال آن گرفته شده بود ، حتی از آوردن واژه کارگرم پرهیز شده بود . کارگر همردیف اشیا "اجیر"ی شمرده میشد که "مستاجر" آنرا اجاره میکرد . "مستاجر" که بعدا به "صاحبکار" تغییر نام داد، میتوانست اجیران خود را به کسان دیگری

بر بهره کشی از کارگران قرارداد، روشن است که قانون کار آن هم، بیان حقوقی و قانونی تسلط همین سرمایه داران و مرتجعین بر سر نوشت کارگران است. این قانون که بالصرحه براستثمار و کار مزدوری صحه گذارده است و در هیئت بندها و تبصره هائی منافع سرمایه داران را بازتاب می دهد ، قانونی است که عمیقا ارتجاعی و ضد کارگری است.

قانون کار، در هر جامعه سرمایه داری، در عین حال شاخص توازن قوای طبقاتی میان اردوی کار و اردوی سرمایه، میان دو طبقه اصلی و متخاصم جامعه یعنی پرولتاریا و بورژوازی هم هست . عبارت دیگر قانون کار در هر جامعه معین سرمایه داری، انعکاس دهنده آن روابطی است که در روند طبقاتی مبارزه طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران و در چار چوب نظم سرمایه داری ایجاد شده است. در یک سو، سرمایه داران و مرتجعین سعی می کنند با تهیه تصویب قوانینی به نفع خود، بر شدت فشار و استثمار کارگران بیفزایندو نظام بردگی مزدوری را بوسیله بندهای قانون خود نیز تحکیم و تثبیت کنند و حتی اگر بتوانند آنچه را که کارگران در پروسه مبارزه طبقاتی خود ولو در چارچوب نظم سرمایه، بدست آورده اند ، از آنان پس بگیرند ، کارگران را عقب برانند و مناسبات حقوقی ارتجاعی تر ، ستمگرانه تر و سخت گیرانه تری را بر کارگران تحمیل کنند، در قطب دیگر و در برابر آن، طبقه کارگر قرار گرفته است که اساسا خواهان براندازی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است . معهذآ مادامکه هنوز نظام سرمایه داری بر قرار است، کارگران در چارچوب این نظام برای بهبود شرایط کار و زندگی خود نیز دست به مبارزه میزنند. طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه دار دست به مبارزه میزند و برای دست یابی به مطالباتش، جنبش های اعتراضی خویش را سازمان میدهد. در جریان این نبرد طبقاتی، کارگران سعی میکنند سرمایه داران را به عقب نشینی وادارند ، از شدت فشار کار و استثمار بکاهدو سرمایه داران را مجبور کنند تا دستاوردهای مبارزات کارگران را بنحوی در قانون کار منعکس سازند. همانطور که سرمایه داران میخواهند پیشبرد سیاستهای خویش علیه کارگران را بوسیله قانون خویش نیز تحکیم کنند، بدیهی است که کارگران هم بخواهند پیشرویهایی معین آنها علیه استثمارگران شکل قانونی بخود بگیرد چرا که طبقه کارگر مادام که نتوانسته است سلطه سرمایه را براندازد و بردگی مزدی را لغا کند، مادامکه در اسارت کار مزدوری بسر می برد، از طریق اینکه در برابر سرمایه داران خواستار قانونی باشد که مطالبات و دستاوردهای مبارزاتی اش در آن ملحوظ شده باشد، میتواند در مبارزه طبقاتی خود علیه سرمایه ، گشایش هائی ایجاد کند تا ضمن تثبیت دستاوردهای مبارزاتی خود، در عین حال مبارزه خویش علیه سرمایه داران را نیز یک گام به جلو سوق دهد. چنین است که در نظام سرمایه داری، مبارزه بر سر قانون کار، به یکی از عرصه های مهم مبارزاتی میان کارگران و سرمایه داران تبدیل می شود . این عرصه مبارزه کارگری و این نبرد و تقابل کارگران با سرمایه داران و مرتجعین در جمهوری اسلامی نیز که یک نظام عمیقا

و البته بمنظور آنکه میبالغ بیشتری بچنگ آورد ، اجاره بدهد . (۱) در این لایحه هیچ گونه نرم و ضابطه اجتماعی برای استخدام کارگران ، تعیین میزان دستمزد، شرایط کار، مدت کار و امثال آن وجود نداشت و تماما به هر شرایط خاص و باصطلاح "تراضی" طرفین یا در واقع به تصمیم و خواست "جاعل" (یعنی سرمایه دار) بستگی داشت. خلاصه آنکه این لایحه ارتجاعی و ضد کارگری دست پخت حکومت اسلامی، نه فقط همسطح خواست کارگران که رژیم شاه را سرنگون کرده بودند نبود، حتی نسبت به قانون کار رژیم شاه عقب تر هم بود. بدیهی بود که طرح چنین لایحه ای اعتراض وسیع توده کارگران را بر انگیزد و همین طور هم شد . مبارزه اعتراضی و گسترده کارگران علیه لایحه قانون کار ارتجاعی رژیم، مرتجعین و سرمایه داران را کمی به عقب نشینی واداشت و ارتجاع حاکم بر آن شد تا با ایجاد پاره ای تغییرات در رفم و ظاهر آن ، کارگران را آرام کند و اعتراض های کارگری را بخواباند. پس واژه هائی نظیر اجیر و مستاجر از این لایحه حذف گردیدو بجای آن " کار پذیر" و " صاحبکار" گذاشته شد اما مضمون آن که تماما مبتنی بر منافع بی قید و شرط و مطلق سرمایه دار و سلطه آن بر کارگر بود، دست نخورده باقی ماند و در اختلاف میان کارگر و کارفرما ، حق ، مثل سایر موارد به "صاحبکار" داده شد . معهذآ تداوم مبارزه کارگران و مقاومت آنها در برابر این لایحه ضد کارگری، مانع از تصویب آن گردید و حتی هیئت دولت را واداشت تا با اضافه کردن بندها و تبصره هائی بدان، و ایضا تغییر پاره ای واژه ها و اصطلاحات، آن را تصویب کندو به مجلس ارتجاع بفرستد. سرانجام بعد از یکرشته کشمکش میان جناحهای حکومتی و با وارد کردن برخی مواد سر و دم بریده پیرامون برخی از خواسته های کارگری، در سال ۶۷ لایحه قانون کار در حالیکه از تصویب مجلس ارتجاع گذشت ، اما شورای نگهبان با وارد دانستن ۶۵ اشکال شرعی و قانونی بآن این لایحه را رد کرد تا بالاخره مجمع تشخیص مصلحت نظام برای خواباندن غائله و جلوگیری از گسترش مبارزه کارگری در سال ۶۸ آن را تأیید و تصویب نمود.

معهذآ تغییرات این قانون در محدوده همان چند ماده و تبصره ای که بآن افزوده شده بود و در هر حال از پیش نویس آن در سال ۶۱ فاصله گرفته بود و به یک اعتبار در چار چوب نظم سرمایه داری گامی به پیش به نفع کارگران محسوب می شد، نارضایتی مدیران کارخانه ها و صاحبان صنایع و سرمایه داران را در پی داشت. رژیم جمهوری اسلامی روند بلامتلفی قانون کار و مبارزه ای را که بر سر آن در اعماق جامعه جاری بود، بنفع خویش نمیدید. مسئولین وقت که از رشد گسترش بیشتر مبارزه اعتراضی کارگری در هر اس بودند میخواستند جلو این روند را بگیرند بنابراین می خواستند هر چه زودتر بقول معروف قال قضیه را بکنند و بر کتاب قانون کار، مهر پایان بکوبند. آنان در عین حال برای آنکه دل سرمایه داران را بیشتر بدست آورده باشند بوجود نقائص و اشکالاتی در قانون کار صحه گذاشتند، نقائص و اشکالاتی که البته بقول سرحدی زاده وزیر کار وقت رژیم (۶۷) و عضو کمیسیون کار مجلس فعلی، میبایستی توسط "فقهها و مجتهدین" و البته برای تأمین بهتر و بیشتر منافع سرمایه داران بر طرف گردد. چنین است که بالاخره پس از ۱۲ سال از روی کا آمدن حکومت اسلامی،

← سرانجام از اسفند ۶۹ قانون کار فعلی رژیم بمرحله اجرا گذاشته شد.

توازن قوای طبقاتی آیا اجازه پیشروی به مرتجعین و سرمایه داران را خواهد داد؟

قانون کار رژیم، قانونی که نزدیک به ده سال از تصویب و اجرای آن میگذرد، قانونی است بغایت ارتجاعی که در آن نه فقط اساسی‌ترین خواسته‌های سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر پایمال شده، بلکه حتی نرم‌های معمول در کشورهای سرمایه داری در زمینه حقوق پایه‌ای کارگران نیز زیرپا گذاشته شده است. برای نمونه در قانون کار رژیم، تعیین حداقل دستمزد بر عهده شورای عالی کار قرار گرفته است که عملاً در دست سرمایه داران است و کارگران نمی‌توانند در آن نقشی داشته باشند. نتیجه تصمیمات و عملکرد این شورا را، کارگران در طی این سالها با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. حداقل دستمزدی که این ارگان برای کارگران تعیین کرده است، نه با افزایش قیمت‌ها و رشد نرخ تورم همخوانی داشته است و نه بویژه با نیازهای کارگران. دستمزدهای فعلی کارگران، به اعتراف مقامات و ارگان‌های وابسته رژیم پاسخگوی حتی یک سوم نیازها و هزینه‌های زندگی کارگران هم نیست. در قانون کار رژیم، ساعات کار کارگران نیز هیچ محدودیتی ندارد، اضافه کاری به رسمیت شناخته شده است. در این قانون کار، از حداقل امکانات رفاهی، بیمه درمانی، از کار افتادگی و امثال آن خبری نیست. امنیت شغلی، بیمه بیکاری، امکانات بهداشتی و ایمنی در این قانون جایگاهی ندارند. کار فرما، به بهانه‌های مختلف میتواند کارگر را اخراج کند و اگر اختلاف میان کارگر و کارفرما ایجاد شود، تصمیم گیری و قضاوت در این مورد به هیئتی (۳) واگذار شده است که نقش اصلی در آن را سرمایه داران و دولت آنها بر عهده دارند. در قانون کار جمهوری اسلامی کارگران از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل‌های مستقل خویش محروم‌اند و از آن منع شده اند و در عوض ارگان‌های پلیسی و جاسوسی رژیم به نام انجمن‌های اسلامی و شورا‌های اسلامی کار بر کارگران تحمیل شده است. شورا‌هایی که اعضا آن بایستی اعتقاد و التزام عملی خود را به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری شان را به قانون اساسی اثبات کرده و هیچگونه گرایشی به احزاب، سازمانها و گروه‌های غیر قانونی و مخالف جمهوری اسلامی نداشته باشند و چنین گرایشی از خود نشان نداده باشند. شورا‌هایی که برای پیشبرد امور مربوط به تبلیغات مذهبی و دیدنی، کنترل کارگران و تحرکات آنها، همکاری با مدیریت و ارائه اطلاعات بان، به همکاری با انجمن‌های اسلامی موظف شده اند. شورا‌های اسلامی کار، در ارتباط تنگاتنگ با انجمن‌های اسلامی که خود زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره میشوند و وظیفه شان تشدید فشارهای سیاسی در محیط کارخانه، برگزاری جلسات و عظ، برپایی نماز جماعت، امر ب معروف و نهی از منکر و امثال آن است، در امر مبارزه و فعالیت کارگران، کارشکنی میکنند و عملاً در خدمت سرمایه داران و کارفرمایان قرار دارند. با اینهمه همین شورا‌های اسلامی کار که ارگان‌های جاسوسی رژیم در محیط کارخانه محسوب میشوند، هرآینه نخواهند گامی خلاف وظائف تعیین شده خود و منافع رژیم و

سرمایه داران بردارند، بلافاصله توسط یک هیئت هفت نفره که ایضا "نقش اصلی را در آن مدیران و سرمایه داران برعهده دارند، منحل خواهند) شد. بنا بر این قانون کار رژیم به لحاظ رعایت و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و صنفی کارگران به منتهی درجه ارتجاعی و زورگویانه است و از تمامی جهات معطوف به بی‌حقی مطلق کارگران، معطوف به استثمار خشن کارگران و معطوف به سلطه مطلق سرمایه داران و مرتجعین است.

با اینهمه از آنجا که اشتباهی سیری ناپذیر و سود پرستی سرمایه داران را حدومرزی نیست، هم‌اکنون در صدان برآمده اند تا به کمک کارگزاران خویش تعرض دیگری را در این زمینه علیه کارگران سازمان دهند. چنین است که اکنون چندین ماه است زرمه‌های را در ضرورت بازبینی و تغییر همین قانون کار ارتجاعی، همین قانون کاری که پایمال کننده ابتدائی ترین حقوق کارگران است، همین قانونی که منافع و سلطه سرمایه در بند بند آن تضمین شده است نیز آغاز کرده اند. در میان اعضا دولت در محافل سرمایه داران، در میان صاحبان صنایع و مدیران، همه جا صحبت از تغییر قانون کار است. مجلس ارتجاع نیز در یکی از جلسات غیرعلنی خود، رسماً به بررسی و ارزیابی قانون کار از زاویه تأثیرات آن در اشکالات پدیدآمده در صنایع و مسئله رکود و بیکاری پرداخت. این روند عجالتاً تا آنجا پیش رفته است که بگفته محجوب دبیر کل خانه کارگر، عده‌ای پیش نویس جدیدی را نیز برای قانون کار تهیه و تدوین کرده‌اند.

واقعیت این است که هم‌اکنون رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر بحران حاد سیاسی، در چنگال یک بحران عمیق و لاینحل اقتصادی گرفتار است. اوضاع اقتصادی به چنان درجه‌ای از وخامت رسیده است که سران رژیم خودشان هم نه فقط از اقتصاد بیمار سخن گفته، بلکه به ورشکستگی شدید مالی رژیم نیز اعتراف کرده اند. رژیم حتی برای گذران امور روزمره خود هم به قرضه‌های رنگارنگ خارجی و داخلی روی آورده است. رکود واز هم گسیختگی اکثر بخشهای تولیدی و صنعتی را فرا گرفته و نظام اقتصادی را در آستانه از هم پاشی قرار داده است.

سرمایه داران و مرتجعین همواره از چنین شرایطی به نفع خویش و به حداکثر، بهره برداری کرده و می‌کنند. همه کارگران شاهدند که چگونه کار فرمایان و صاحبان صنایع با توسل به بهانه‌های مختلف کارخانه‌ها را تعطیل و گروه‌های وسیعی از کارگران را از کار بیکار کرده اند. سرمایه داران با استفاده از این شرایط نه فقط به مطالبات کارگری از جمله مسئله افزایش دستمزدها که خواست عمومی کارگران است پاسخ مثبتی نمیدهند، بلکه حتی حقوق و مزایای کارگران مشغول بکار را نیز بطور کامل و به موقع نمی‌پردازند و در یک کلام بر شدت فشار کار و استثمار کارگران افزوده اند. معهداً سرمایه داران و مدیران کارخانه‌ها، به اخراج‌های دسته جمعی و بیکارسازیهای وسیع و گسترده و زدن از حقوق و مزایای کارگران و خلاصه تشدید فشار کار و استثمار کارگران قانع نیستند. آنان در همان حال که تقصیر وضعیت موجود را مستقیم و غیرمستقیم برگردن کارگران می‌اندازند، موقعیت را مناسب یافته‌اند تا در جریان تعرض خویش علیه کارگران، بعرضه تغییر قانون کار بنحوی که منفعت بیشتری را برای آنان تأمین کند، قدم نهند تا کارگران را گامی به عقب برانند.

اگر در شرایط و توازن قوای معینی در سالهای ۶۱ به بعد سرمایه داران و مرتجعین نمی‌توانستند

(ولو آنکه اکثر دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر را باز پس گرفتند) لایحه قانون کار فوق ارتجاعی خویش را که بر مبنای "باب اجاره" و سنن فقهی تنظیم شده بود به کارگران تحمیل کنند و بعد از قریب به ده سال کشمکش بر سر آن، در نهایت اجباراً به عقب نشینی‌های و لو در چارچوب نظم سرمایه داری موجود تن دادند، اکنون سرمایه داران و مرتجعین چنین سودائی در سر دارند تا عقب نشینی خود را جبران کنند.

این برداشت و فرضیه نه فقط در زرمه‌های سرمایه داران و کارگزاران آنها که هر روز پررنگ تر میشود، انعکاس دارد، بلکه ویژگی‌های موقعیت لحظه کنونی طبقه حاکمه نیز آنرا تقویت میکند. دولت دستش خالی و پایش روی هواست و ششیدا به سرمایه داران و کیسه پول آنها نیازمند است. سوای واگذاری واحدهای صنعتی و تولیدی به سرمایه داران بخش خصوصی دائماً در حال دادن امتیازات جدیدی به آنهاست. دولت از سرمایه داران تمنا می‌کند که سرمایه‌های خویش را بکار اندازند و برای نجات خویش با هزارویک زبان آنان را بکمک می‌طلبند. اگر قرار باشد سرمایه داران رژیم را _ رژیم خود را _ از خطر سقوط نجات دهند، پس رژیم هم حاضر است در عقب راندن کارگران باج دیگری بآنها بدهد. از سوی دیگر، سرمایه داران نیز خواهان سقوط و نابودی رژیم خود نیستند. معهداً آنان برای گرفتن امتیازات بیشتر شرایط را مساعد یافته اند. آنان به صراحت "کاهش رقابت سرمایه گذاری" را نتیجه "حاصل قانون کار" میدانند و خلاصه بحث تغییر و اصلاح آن را بمیان کشیده‌اند تا شاید بتوانند آن مواردی را که زمانی با زور کارگران در آن جای داده شد از آن حذف و یا مواردی را که در اثر اعتراضات کارگری از آن حذف شده بود، به آن وارد کنند.

اماین کوشش‌ها و زرمه‌ها، از هم‌اکنون اعتراضات و جنب و جوش وسیع و گسترده‌ای را در میان کارگران برانگیخته است. کارگران سالها مبارزه خویش علیه قانون کار ارتجاعی رژیم را از یاد نبرده‌اند. طبقه کارگر نه فقط قانون کار عقب مانده تری را تحمل خواهد کرد و به سطح قانون کار سال ۶۱ رضایت نخواهد داد، بلکه حتی قانون کار فعلی را نیز تأمین کننده حداقل خواسته‌های صنفی و سیاسی خود نمی‌داند و آنرا ناقص حقوق خویش می‌شمارد. طبقه سرمایه دار خواهان تغییر و اصلاح قانون کار است. البته که طبقه کارگر ایران نیز خواهان تغییر قانون کار است. سرمایه داران می‌خواهند امتیازات بیشتری بگیرند، حقوق کارگران را بیش از پیش پایمال کنند و مناسبات خشن تر و استثمار شدید تری را قانونی کنند. کارگران هم خواهان حقوق سیاسی و صنفی خویش‌اند. کارگران خواهان قانون کاری هستند که دستاورد‌های مبارزاتی طبقه کارگر و استانداردهای بین المللی در آن ملحوظ شده باشد. طبقه کارگر ایران خواهان قانون کاری است که بامشارکت خود آنها و دخالت تشکل‌های واقعی کارگری تهیه شود.

بنابراین مبارزه بر سر قانون کار، کماکان یکی از عرصه‌های مهم مبارزه میان سرمایه داران و کارگران است. معهداً آنچه در مورد این رودروئی میتوان گفت این است که اگر سرمایه داران و مرتجعین به خودجرات گفت‌وگو و بطور واقعی وارد عملی گردن این جنبه از تعرض جدید خود کردند و فرضاً بخواهند کارگران را بسطیح قانون کار سال ۶۱ عقب برانند، تردیدی نباید داشته باشند که اعتراضات

دشنه سپاه بر گلوی دانشگاه!

دانشجویی " ارگانی بنام " شورای عالی هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجویی " (۱) ، وظیفه پیشبرد این طرح را برعهده دارد . همچنین بموجب تبصره ۲ این قانون، درهر دانشگاه یا مرکزآموزش عالی ، ستادی بنام " ستاد هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجویی و نظارت برحسب اجرای امور" (۲) پیگیری مصوبات شورای فوق الذکر و نظارت بر اجرای امور را برعهده دارد. درزمینه اهداف طرح یادشده، ازجمله تبصره های سوم و ششم آن به ترتیب چنین گفته شده است. " طرح گسترش بسیج دانشجویی، بمنظور مشارکت بیشتر دانشجویان و اساتید بسیجی در امور فرهنگی ، انضباطی دانشگاهها و مراکزآموزش عالی خواهد بود" و " طرح گسترش بسیج دانشجویی بمنظور سیاست گذاری، برنامه ریزی هماهنگ و نظارت برحسب اجرای فعالیتهای بسیج در دانشگاهها و مراکزآموزش عالی تحت امر نیروی مقاومت بسیج تشکیل میگردد". لازم بذکر است که کلیه موسسات دولتی و نهادهای دانشگاهی به همکاری و حمایت از فعالیتهای بسیج دانشجویی مقید و موظف شده اند.

همانطور که از نقل قولهای فوق هم به روشنی و بی هیچ نیازی به توضیح پیداست، طرح گسترش بسیج دانشجویی، این دست پخت جدید مجلس ارتجاع، چیزی نیست جز صدور مجوز رسمی و قانونی به منظور گسترش میلیتاریسم و تقویت دستگاه سرکوب و جاسوسی در مراکز دانشجویی به هدف کنترل بیشتر دانشجویان و در نهایت خاموش کردن دانشگاهها! اکنون بر هیچکس پوشیده نیست که سیاست عمومی حکومت اسلامی و جناح مسلط آن در برابر تحولات جامعه و در برابر مطالبات و جنبش های اعتراضی توده مردم، تشدید سیاست شناخته شده و همیشگی آن، سیاست سرنیزه است. سیاست گردن زدن و زبان بریدن است. رژیم ولایت فقیه یگانه راه نجات خویش را در سرکوب و اختناق بیشتر می جوید. این، سیاست اعلام شده جناح مسلط حکومتی است که رژیم دارد آن را در همه ابعاد و جوانب مختلف جامعه پیش میبرد و اجرا میکند. این سیاست ، یک روز در سرکوب و دستگیری کارگران ، در حبس و کشتار فعالین کارگری بارز میشود، یک روز در دستگیری و حبس نویسندگان. یک روز در قرق خیابانها و حمله به زنان و اهانت به آنها خود را نشان میدهد، روز دیگر در حمله به دفاتر روزنامه ها و مطبوعات و تعطیل آنها، یک روز در ربودن، شکنجه کردن و ترور فعالین و مخالفین سیاسی رژیم تجلی مییابد، روز دیگر در اعزام نیروهای سپاه به مراکز آموزش عالی و مختنق تر کردن دانشگاهها! شکی نیست که یکی از اهداف طرح توسعه بسیج دانشجویی، این تعرض جناح مسلط حکومتی، کوتاه کردن دست تشکلهای وابسته به جناحهای رقیب از دانشگاهها و کاستن از نفوذ آنهاست. جناح مسلط حکومتی همانطور که در سایر عرصه ها متدرجا و مداوما جریانهای حامی خاتمی را به عقب نشینی واداشته است، در دانشگاه نیز که یکی از مراکز حساس جامعه است و فعل و انفعالات و تحولات آن به سرعت در سایر سطوح جامعه بازتاب می یابد، همین هدف را تعقیب می کند . از همین زاویه هم هست که طرح گسترش بسیج دانشجویی ، با غرور و لندها، اعتراضها و مخالفت های از سوی جریانهای حامی خاتمی نیز روبرو شده است. معهذ اینها نه فقط با بسیج و گسترش فعالیتهای آن وبا " طرز

فکر بسیجی " هیچگونه مخالفتی ندارند ، که آن را "عامل مصونیت در برابر حملات فرهنگی" (۳) هم میدانند. اعتراض و مخالفت اینها بدین سبب است که جناح رقیب از این طریق یعنی از طریق مداخله در امور دانشگاه، نفوذ و حضور خود را تقویت و تحکیم و آنها را تضعیف می کند . نگرانی اصلی آنها " انحصاری" (۴) شدن دانشگاهها ، محدودیت و قیچی شدن پروبال خودشان است. بنابراین موضوع فقط در عقب راندن جناحهای رقیب خلاصه نمیشود. ارتجاع حاکم، هدفی فراتر از این دارد. هدف، مداخله نظامی گسترده ترو سرکوب سیستماتیک تر و همه جانبه تر است. مسئله، خفه کردن هرگونه صدای آزادی خواهی و سرکوب هرگونه اعتراضی علیه استبداد و ولایت فقیه است. هدف، گسترش فضای سرکوب و اختناق در تمامی زوایای جامعه و ترساندن کارگران ، دانشجویان و عموم توده های مردم است. بسیج دانشجویی و فعالیت های سرکوبگرانه و ضد دانشجویی آن موضوع تازگی ای نیست . این تشکیلات جاسوسی و وابسته به سپاه پاسداران، از هشت سال پیش و طبق مصوبه " شورای عالی انقلاب فرهنگی" رژیم، مشغول فعالیت بوده است . مسئله این است که برغم همه تلاشهای رژیم، بسیج دانشجویی در آن چارچوبها و محدودیت های سابق نتوانسته است " نقش مطلوب" (۵) مورد نظر حاکمانش را در تامین رضایت ارتجاع حاکم ایفا کند و اکنون میخواهد این فعالیتها را بطور گسترده تر و سیستماتیک تر پیش ببرد و در این زمینه هیچ حدود مرزی را به رسمیت نشناسد .

مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در این مورد میگوید "مقام معظم رهبری بصراحت فرموده اند که کار بسیج حدود مرزی نمی شناسد" و کامران باصطلاح نماینده اصفهان در مجلس گاه طراحان اصلی این طرح هم هست میگوید " بسیج در بحث فرهنگی حفاظت دستاوردهای انقلاب اسلامی و در بحث سیاسی هم دفاع از تدابیر ولی فقیه را بر عهده دارد" (سلام- ۱۴ آبان ۷۷_ تاکید آزماست) هنوز یک ماه هم از تصویب این طرح در مجلس نگذشته بود که بسیج دانشجویی دانشگاه یزد بیانیه صادر می کند و " در راستای اجرای فریضه عظیم نهی از منکر و فرامین مقام معظم رهبری" نسبت به چاپ عکس چند زن در صفحه اول فلان روزنامه (ایران) اعتراض میکند و ضمن تهدید ، برای توجیه عمل خود به مصوبه دیگر مجلس مبنی بر "عدم استفاده ایزاری از زنان" نیز استناد میجوید. (روزنامه رسالت _ ۹ آبان ۷۷) و مرتجع دیگری بنام حجت الاسلام ایراندوست که ظاهرا رئیس یک دانشگاه هم هست! ضمن آنکه بسیج دانشجویی را مهمترین و عزیزترین نهاد برای " اسلامی کردن" دانشگاه میخواند، در مورد تشکل های دانشجویی چنین هشدار می دهد. " تشکل های دانشجویی در دانشگاه بمانند تیغ دولبه ای هستند که اگر مدیریت دانشگاه دقت نکند، میتواند به نیروی فوق العاده قوی در مخالفت با این طرح باشند، تشکلهای سیاسی ضرورت دارد ، و خطرات و زیانهای تشکل های غیر اسلامی خیلی زیاد است" (رسالت ۲۰ آبان ۷۷_ تاکید آزماست).

بنابر این مقابله با دانشجویان و سرکوب خشن جنبش دانشجویی، سرکوب و خنثی سازی اقدامات و تلاشهای دانشجویی در زمینه برپائی تشکل های مستقل خویش، سلطه کامل بر دانشگاه و بالا بردن پرچم ولایت فقیه در دانشگاه و بالاخره گسترش اقدامات سرکوبگرانه و خشونت آمیز در سطح جامعه و حاکم کردن فضای رعب و ترس بر آن، از جمله مقدم ترین اهداف طراحان این طرح است . جناح خامنه ای که در این اقدامات و سرکوبها نقش اصلی و

دست بالا را دارد، هیچگونه مخالفت از هیچ ناحیه ای را تحمل نمی کند. همین ها که از هیچ تلاشی برای پیشبرد سیاست های اعلام شده خویش فرو گذار نکرده اند ، هم اکنون نیز بر طبق یک برنامه تدارک دیده شده، سرگرم قلع و قمع و خاموش ساختن همه مخالفین و معترضین اند. بدیهی است دانشگاه نیز که علی العموم یکی از مراکز روشنفکری و شکل گیری اعتراض است، از چشم اینها پنهان نماند.

دانشگاه، برغم سرکوبهای مکرر در عرض این سالها، عموما معترض بوده است. اعتراضات دانشجویی در سالهای اخیر گسترش چشمگیری داشته است. نتایج سیاسی شکست خامنه ای و طرفداران نوب در ولایت فقیه، تاثیرات مستقیم و بلاواسطه ای بر جنبش دانشجویی گذاشت. در یکسال و نیم اخیر، جنبش اعتراضی دانشجویی گامهایی بجلو برداشت و رویه اعتدالی نهاد. اعتدالی جنبش دانشجویی در عین حال ایده استقلال تشکل های دانشجویی را فراگیر ساخت و کوشش هایی را نیز در زمینه پایه گذاری چنین تشکلهایی در پی داشته است. مطالبات آزادی خواهانه و ضد استبدادی دانشجویان عمق و گسترش بیشتری یافته است. اعتراض دانشجویی اینجا و آنجا و با طرح شعارهایی نظیر مرگ براستیداد، مرگ بر فاشیسم، مرگ بر طالبان و شعارهای دیگری که مبین خواست انحلال مجلس و محدودیت اختیارات ولی فقیه و زیر سوال بردن حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه است، هر روز تکرار می شود. ارتجاع حاکم اعتراض و انتقاد را تحمل نمی کند. پس اگر در اینجا و در دانشگاه هم زبانی به اعتراض گشوده می شود، آن زبان را فوراً باید برید! بویژه آنکه اوضاع در بیرون از دانشگاه هم ملاحظه است. حال چه کسی می تواند بهتر از نیرو های خود سپاه پاسداران، سخنان فرمانده سپاه را به مرحله اجرا بگذارد و این زبان را ببرد؟ چنین است که مجلس ارتجاع هم جواز رسمی اعزام نیروهای سپاه به دانشگاه را صادر میکند تا اینکه متخصصین شمشیر کشیدن، زبان هر کسی را که جرات کند به اعتراض و انتقاد سخنی بگوید ، از حلقومش در آورند! ارتجاع حاکم دشمنی را در دست سپاه می گذارد، تا سپاه هم با گذاشتن این دشنه بر گلوی دانشگاه، آن را خاموش کند.

اما تجربه ۲۰ ساله حکومت اسلامی بر این روش ها و ترفندها مهر بلتان زده و بر این واقعیت صحه میگذارد که ارتجاع اسلامی نخواهد توانست صدای دانشگاه را خاموش کند. جمهوری اسلامی در "انقلاب فرهنگی" سال ۵۹ خود، هزاران تراز کمونیستها و سایر دانشجویان و اساتید انقلابی و مبارز را کشتار و قلع و قمع کرد، اما این اقدام فجیع برغم ضایعات بزرگی که در پی داشت، تکلیف اعتراض دانشجویی را یکسره نکرد! ده سال بعد در سال ۶۹ رژیم جهت تداوم سیاست های سرکوبگرانه خود، بسیج دانشجویی را سازمان داد، اما این بار نیز " نتیجه مطلوب" حاصل نشد! در سال ۷۵ بار دیگر مسئله اسلامی کردن دانشگاه ها از جانب خامنه ای مطرح شد و دستگاہهای سرکوب و فشار با جدید و فشار بیشتری، اسلامی کردن دانشگاه و خاموش ساختن صدای اعتراض آن را در دستور کار خویش قرار دادند ، اما این هم حاصلش رضایت بخش نبود و نتیجه دندان گیری نداشت . بدون شک ترفند جدید رژیم، طرح گسترش بسیج دانشجویی و گسترش میلیتاریسم در دانشگاهها نیز، بجائی نخواهد رسید و نمی تواند مانع از طرح خواسته های آزادیخواهانه دانشجویان گردد و صدای دانشگاه را خاموش کند!

جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است و با این ترفندها نمیتواند خود را نجات دهد . طرح جدید و

اطلاعیه

جمهوری اسلامی دو تن از رهبران

حزب ملت ایران را ترور کرد



رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر دست به یک جنایت زد و دو تن از رهبران حزب ملت ایران، داریوش فروهر و پروانه فروهر را به قتل رساند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی که این خبر را مخابره نمود، اعلام کرد که آنها، عصر روز یکشنبه در منزل مسکونی شان، با ضربات کارد توسط افراد ناشناس به قتل رسیده اند.

به رغم این ادعای خبرگزاری رژیم، برهیچ کس پوشیده نیست که این یک قتل سیاسی است و توسط رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی، در طول حیات خود مکرر از این شیوه برای قتل مخالفین خود استفاده کرده است. تاکنون دهها تن از رهبران اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور با همین شیوه «ضربات کارد افراد ناشناس» ویا شلیک گلوله به قتل رسیده اند. لذا هیچ تردیدی نیست که این قتل توسط دستگاههای ترور و کشتار جمهوری اسلامی صورت گرفته است. این ترورها یکی از شیوه های سرکوب حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی هیچ مخالفتی را تحمل نمی کند و لوازمین که این مخالفت از جانب کسانی باشد که خود در استقرار این رژیم نقش داشته اند.

داریوش فروهر که در آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، در کابینه بازرگان پست وزارت کار راعهده داربود، نه مخالف نظم موجود بود و نه خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی. انتقاد او به سران رژیم در چارچوب نظم موجود و برای اصلاحاتی در سیستم سیاسی موجود بود، اما جمهوری اسلامی این انتقاد و مخالفت را نیز نمی توانست تحمل کند، لذا به شیوه همیشگی خود متوسل شد و به ترورداریوش فروهر و پروانه فروهر دست زد.

این ترور بازم این واقعیت را در برابر مردم ایران آشکارا به نمایش گذاشت که رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه مخالفتی را نمی پذیرد و هرگونه مخالفت را با سرکوب، کشتار، زندان، اعدام و ترور پاسخ می دهد. این ترور درعین حال یک رسوائی دیگر برای جارجیان استحاله لیبرالی حکومت اسلامی است که در مورد آزادی و دموکراسی در جمهوری اسلامی توهم پراکنی می کنند. این ترور بازم نشان داد که جمهوری اسلامی جز زبان زور و سرکوب چیزی نمی فهمد و با هرگونه آزادی دشمنی دارد، لذا باید آن را سرنگون کرد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ترورداریوش فروهر و پروانه فروهر را محکوم می کند و جمهوری اسلامی را سازمانده و مجری این ترور معرفی می نماید.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۷/۹/۱

دشنه سپاه بر گلوی دانشگاه !

مکان قانون کاردر
پیکار کار علیه سرمایه

وسیع و گسترده ای را نیز در میان کارگران دامن خواهند زد. در برابر تهاجمی که توسط سرمایه داران تدارک و زمینه چینی شده است، حتی کارگران متشکل در تشکلهای وابسته به حکومت نظیر خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار نیز عکس العمل های تندنی نشان داده و هرگونه تعرض به قانون کار را محکوم و تاکید کرده اند که با این تلاشها بمقابله خواهند پرداخت. وقتی عکس العمل تشکلهای کارگری وابسته به رژیم چنین است، عکس العمل اکثریت عظیم کارگران که علیه تمامیت رژیم و اساسا برای نابودی نظام حاکم مبارزه میکنند معلوم است. طبقه کارگردر برابر زورگوئی سرمایه داران خواهد ایستاد. جنبش اعتراضی کارگری، آنها بر بستر نارضایتی عمیق توده ای بویژه بر بسترا اعتراضات فعلا موجود و در حال گسترش کارگری، بدون شک از حد اصلاح و تغییر قانون کار و چارچوبهای قانونی فراتر خواهد رفت. در جریان این رودروئی، در جریان مبارزه کارگران علیه سرمایه داران، نبرد طبقاتی به مراحل حادثروعالی تر گذر نموده و به نبردی علیه کلیت رژیم، علیه طبقه سرمایه دار و در نهایت علیه مجموعه مناسبات و روابطی که تضمین گر سلطه سرمایه است، فرا خواهد روئید. طبقه کارگر که خواهان براندازی نظام استثماراری است، با شور و حرارت به استقبال این نبرد می شتابد چرا که پیروزی در این مصاف، از آن کارگران است. در این پیکار سرنوشت ساز، طبقه کارگر چیزی را از دست نمی دهد اما دنیائی را فتح خواهد کرد.

زیرنویس ها:

۱- هم اکنون نیز این موضوع بشکل دیگری انجام میشود و هزاران شرکت قراردادی و پیمانکاری که در سرتاسر کشور فعال اند، دراز بکارگماری کارگران در سایر شرکتها و واحدهای تولیدی، تا ۵۰٪ مستمری کارگران را خود به جیب می زنند.

۲- شورای عالی کار تشکیل شده است از ۳ نماینده دولت و وزیرکار یا معاون او و دو نفر به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیئت وزیران) ۳ نفر نماینده کارفرمایان و ۳ نفر باصلاح نماینده کارگران (که منتخب شوراهای اسلامی کاراند!)

۳- اصل بر آن است که کارگر و کار فرما بر سر اختلافات خود به سازش برسند. در مرحله بعدی، اختلاف از طریق یک شورای ۳ نفره مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده کارفرما و باصلاح نماینده ای که از طرف کارگران همان کارگاه انتخاب شده است حل شود. اگر اختلاف در این مرحله هم حل نشد، موضوع به هیئت حل اختلاف واگذار می شود که این هیئت مرکب است از ۳ نفر نمایندگان دولت (فرماندار، رئیس دادگستری و رئیس اداره کار) ۳ نفر از طرف کارفرمایان و ۳ نفر هم از جانب کارگران (که این افراد در اغلب موارد منتخب شوراهای اسلامی کار هستند)

عالی ذریبط و معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه. (همان منبع)

۲- یک عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت می گوید " بسیج و تفکر بسیجی عامل مصونیت جامعه در قبال بسیاری از حملات فرهنگی است. . . . از سال ۶۹ تا حالا هم مشکلی برای توسعه و حضور بسیج وجود نداشته است مسئله این است که جریان سیاسی خاصی در نظر داران این طریق انگیزه های سیاسی خود را در محیط دانشگاه پیش ببرد و تحکیم کند. این طرح بیان گر انحصاری کردن دانشگاههاست"

۴- دفتر تحکیم وحدت در بیانیه ای بمناسبت ۱۳ آبان در مورد بسیج دانشجویی نوشت " بسط نهادهای غیرمستقل و وابسته بمرکز خارج دانشگاه و خصوصا نوع نظامی آن، موجی از نگرانی را در بین جامعه دانشگاهی مسلمان و آگاه برانگیخته است. زاویه برخورد و مخالفت ما با توسعه و تشکیل بسیج در دانشگاه نیز از همین منظرو نه بعلت حضور یک تفکر و جریان فکری بلکه به سبب حاکمیت نظامیان و روحیه نظامیگری در کانون علم آموزی است " (سلام_ ۱۳ آبان ۷۷)

۵- سلام ۱۴ آبان ۷۷ از قول مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران می نویسد " مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۶۹ تامین کننده نیازهای بسیج نبود و با توجه به مشکلاتی که برای فعالیت گسترده تر بسیج وجود داشت، بسیج دانشجویی نمی توانست بطور مطلوب ایفای نقش کند"

مداخله گسترده نظامی سپاه پاسداران در دانشگاه، از هم اکنون با اعتراض و مخالفت دانشجویان روبرو شده است. دانشجویان انقلابی با برپائی و تحکیم تشکل های مستقل خویش و با تشدید و گسترش مبارزات خود، زیر شعار اتحاد مبارزه پیروزی، قادر خواهند بود تلاشهای سرکوبگرانه حکومت را خنثی کنند و آن را عقب بنشانند. در درون این جنبش مبارزاتی، کمونیستها و سایر نیروهای چپ و رادیکال، با متشکل ساختن خویش در یک بلوک، قادر خواهند بود نقش مهمی در هدایت و رادیکالیزه شدن این جنبش ایفا کنند و نه فقط دست سپاه را از دانشگاه کوتاه کنند، بلکه جنبش دانشجویی را چندین گام به جلو سوق دهند.

زیرنویس ها

۱- شورای عالی هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجویی، مرکب است از وزرای آموزش عالی و بهداشت، رئیس دانشگاه آزاد، فرمانده مقاومت بسیج، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، مسئول سازمان بسیج دانشجویی نیروی مقاومت بسیج، یک عضو کمیسیون آموزش عالی مجلس و یک عضو شورای انقلاب فرهنگی. (سلام_ ۹ آبان ۷۷)

۲- ستاد هماهنگی و پشتیبانی بسیج دانشجویی و نظارت بر حسن اجرای امور مرکب است از رئیس دانشگاه یا موسسه آموزش عالی ذریبط، فرمانده بسیج منطقه (یا ناحیه) مسئول بسیج دانشجویی منطقه (یا ناحیه) مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه یا مرکز آموزش عالی، مسئول نمایندگی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه یا موسسه آموزش

مصاحبه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی

است. کارگران موفق شده اند حول آزادی تشکل دست به حرکت بزنند. اخیرا یک هیئت نمایندگی کارگری متشکل از ۱۰ تن از کارگران رشته های مختلف تولیدی موفق شدند که به ملاقات رهبر زندانی یکی از اتحادیه های کارگری "دیتاساری" که از جمله اعضا حزب ما نیز هست، بروند .

س_ جنبش توده ای در چه مرحله ای قرار دارد؟

* یکی از دستاوردهای مهم همانا، کنار رفتن سوهارتو است. تحت تاثیر مبارزات توده ای، جو سیاسی دمکراتیزه شده است اما هنوز امکان تسلط نیروهای نظامی بر جنبش توده ای موجود است. ما به طور یقین باید از فضای حاصله جهت بسیج و سازماندهی توده ها استفاده کنیم در غیر اینصورت امکان به عقب راندن توده ها و مبارزات آنها بسیار محتمل است.

جهت حفظ دستاوردهای تا کنونی و تامین شرایط لازم برای پیشرویهایی آتی باید کلیه زندانیان سیاسی آزاد گردند. نظامیان از قدرت خلع شوند. آزادیهای سیاسی به طور واقعی تامین گردند. فراموش نکنیم که احزابی از جمله "حزب دمکراتیک خلق" همچنان "غیرقانونی" هستند.

طی هفته های اخیر مبارزات تشدید و تعمیق یافته است. این پروسه به خوبی در مبارزات کارگری، دهقانی و دانشجویی آشکار است. اما متأسفانه

هنوز در میان برخی نیروهای چپ از جمله "حزب دمکراتیک اندونزی" توهمات نسبت به حیثی موجود است که مانع تشکیل یک بلوک مستحکم انقلابی برای بسیج توده ای است. این یک واقعیتی است که مبارزات توده ها و خواستههای آنها رادیکالتر از برنامه و عملکرد برخی از احزاب چپ است. ما نیز به علت "غیر قانونی بودن" قادر به بکارگیری امکانات لازم جهت سازماندهی نیستیم . از همینرو یکی از اهداف کوتاه مدت ما مبارزه برای قانونی شدن حزب و فعالیت هایمان است.

از طرف دیگر در غیاب یک نیروی رادیکال متشکل، جریانات مرتجع سعی در انحراف جنبش دارند. تلاش اخیر نیروهای اسلامی در دامن زدن به درگیریهایی مذهبی در واقع جلوگیری از گسترش مبارزه ای است که پس از چند ماه مجدداً اوج گرفته است. به طور مثال جنبش دانشجویی و حتی کارگری در مه سال جاری وارد کارزار شد و فاقد برنامه ریزی بود. اما پس از گذشت چند ماه توانست متشکل تر وارد صحنه شود و خواستههای وسیعتری را طرح نماید. در هراس از گسترش اینگونه مبارزات است که بناگاه سر و کله دستجات اسلامی پیدا میشود. تضاد بین اسلام و مسیحیت علم میشود. کشتار به راه می افتد. مراکز تفریحی و سالنهای موسیقی و . . . به آتش کشیده میشود. آنها آنقدر وقیحانه عمل میکنند که حتی "محمد رزاق صاحب" رهبر جبهه دفاع اسلامی FPI آشکارا اعلام کرد که "ما به نیرو های خود دستور دادیم تا از خروج کفار از مرکز خرید جلوگیری به عمل آورند". این عده دردرون مرکز سر پوشیده به زور نگاه داشته شده اند تا در حریق کشته شوند. وقتی قضیه خیلی انعکاس یافت ادعا کردند که قصد آنها از این امر آن بوده که از حمله معترضین به این عده در خارج از مرکز خرید جلوگیری شود!

بهرحال این سیاستها، اتفاقی نیست. این اتفاقات زمانی صورت میگیرد که مثلا ۱۴۴ نظامی به جرم شلیک به مردم به دادگاه کشیده شده اند. زمانی است که مبارزات کارگری و دانشجویی شدت گرفته است.

س_ مبارزات زنان را در حال حاضر چگونه ارزیابی می کنید؟

س_ آیا در هنگام اسارتات، از گسترش اعتراضات توده ای علیه رژیم سوهارتو مطلع بودی؟

* من از کانال مطالعه برخی روزنامه هادر جریان مبارزات توده ها و گسترش آنها بودم. از درگیری و تظاهرات مطلع میشدم. زمانی که خواندم ۴ دانشجو در جریان تظاهرات کشته شده اند می دانستم که تحولی در شرف وقوع است. از نگاهبان زندان شنیدم که قرار است راهپیمایی به سوی زندان صورت گیرد. برخورد مسئولین زندان از سوی دیگر حاکی از آن بود که سرعت تحولات و تغییرات را درک نکرده بودند و گمان نمیکردند که سوهارتو بدان سرعت مجبور به کناره گیری شود. وقتی تحولات شتاب گرفت آنها به طرز زبونانه ای داماد سوهارتو و مسئول گارد ویژه ارتش را مسبب شکنجه زندانیان معرفی کردند. ما در زندان میدانستیم که هنگامی که قدرت حاکمه به قربانی کردن مهره ها و عناصر خود دست میزند، وظیفه خطیری در برابر ما قرار می گیرد. این وظیفه همانا زدودن توهمات است که آنها می آفرینند.

س_ ارزیابی از روند تحولات در اندونزی چیست؟

* حزب مامعتقد است که در حال حاضر "سوهارتو" نسیس بدون سوهارتو" در اندونزی حاکم است. حیثی یکی از طرفداران پرو پا قرص طایفه سوهارتو است که مدافع منافع همان قشر است. او با وعده و وعید و توهم پراکنی اعلام میدارد که با تزریق وامهای صندوق بین المللی پول، قصد بهبود اوضاع اقتصادی را دارد. شعار میدهد که زندانیان سیاسی را آزاد کرده است. در صورتی که هنوز برخی از رهبران جنبش کارگری همچنان در زندان اند. اخیرا حیثی یک قانون مربوط به انتخابات را اعلام کرده است که به موجب آن ۶۵ کرسی پارلمانی بدون رای گیری به نظامیان تعلق میگیرد. کنترل و پیگرد فعالیت احزاب سیاسی و فعالین همچنان در دستور کار قرار دارد. وضعیت اقتصادی وخیم ترمیگرده. مردم به معنای واقعی کلمه در شهرها از گرسنگی جان میدهند. دوماه پیش حیثی از مردم خواست که برای مقابله با این وضعیت "روزه" بگیرند تا از این طریق میلیونها تن برنج نخیره گردد! این اظهارات خشم و نارضایتی مردم را برانگیخت. طی هفته های اخیر منشا بسیاری از اعتراضات قحطی و کمبود ارزاق عمومی بوده است.

س_ جنبش کارگری در اندونزی طی ماههای اخیر چه وضعیتی داشته است؟

* طی ماههای اخیر بیش از ۳۰۰ اعتصاب کارگری در اقصی نقاط اندونزی برپا شده است. خواست محوری اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار بوده است. این حرکات گرچه با طرح مطالبات صنفی آغاز شده اما در اکثر موارد خواست برکناری سوهارتو و پس از آن نیز حیثی از سوی اعتصابیون صریحا طرح شده است. نکته قابل توجه در این حرکات، رشد کیفی آنها ظرف دو سه ماه گذشته است. چنانچه این اعتصابات رادر مقطع برکناری سوهارتو مورد ارزیابی قرار دهیم، خواهیم دید که اعتصابات زودگذر و مقطعی بوده اما طی ماههای جاری شاهدیم که کارگران رشته های مختلف در تلاشند بر ابعاد اعتصاب بیافزایند. این نکته بسیار امید وارکننده است.

نکته دیگر تحمیل یکسری مطالبات به دولت حیثی

Robby Hartono یکی از فعالین جنبش دانشجویی در اندونزی است که اوائل سال جاری دستگیر و زندانی شد. وی همچنین از رهبران "حزب دمکراتیک خلق" PRD است. پس از آزادی، فعالانه به برپائی کارزاری تبلیغی علیه فشار و سرکوب در اندونزی پرداخت. او ضمن مسافرت به کشورهای اروپائی و برگزاری جلسات بحث و گفتگو، از اوضاع در اندونزی سخن میگوید. متن زیر چکیده مصاحبه ای است با او که جهت اطلاع خوانندگان نشریه، درج میگردد.

س_ لطفا نخست توضیحی در مورد حزب دمکراتیک خلق، اهداف و برنامه های آن در اختیار ما بگذار.

* حزب دمکراتیک خلق هنوز در حال حاضر یک سازمان زیرزمینی است که عمدتا علیه میلیتاریسم در اندونزی مبارزه میکند. متأسفانه شرایط خفقان و دیکتاتوری و سرکوب عنان گسیخته که طی دهه های اخیر در اندونزی اعمال شده، زمینه و امکان سازماندهی را به حداقل ممکن رسانده بود. طی سالهای اخیر نسل جدیدی وارد میدان شده اند. این نسل جوان که چپ است با ایده های کمونیستی آشناست. اما متأسفانه تسلط کافی بر آن ندارد. از طرف دیگر دستگیری و اسارت رهبران "حزب دمکراتیک خلق" امکان تدوین مبانی یک حزب کمونیستی را بسیار ضعیف و مشکل کرده بود. طی ماههای اخیر، که روزنه هائی برای تنفس سیاسی ایجاد شده، ما شدیداً در تکاپوی بحث و تدوین مبانی حزب هستیم. ناگفته نماند که چنانچه به مصاحبه ها و نوشته های رهبران ما توجه کنید، آنها آشکارا خود را کمونیست معرفی می کنند و ما خود را مدافع کمونیسم میدانیم. ولی بدیهی است که چنانچه به بحث حول اصول و مبانی بپردازیم، گرایشات متعدد قد علم میکنند. وضعیت فعلی حزب دمکراتیک خلق را میتوان اینچنین تعریف کرد: حزب با ترکیب نسل جوان، علیه میلیتاریسم و آشنا به ایده های کمونیستی . چنانچه این آشنائی به تسلط به کمونیسم و مبانی آن منجر شود میتوان حزب را کاملاً حزب کمونیستی نامید.

س_ قضیه "ناپدید شدن" ات چه بود؟

* روز ۱۳ مارس سال جاری حدود ده نفر با او نیفورم نظامی وارد خانه من شدند و مرا با خود بردند. دو روز اول را در یک پایگاه نظامی گذراندم. شکنجه های متوالی اعمال شد. با کابل به جانم افتادند. میخواستند که از من بشنوند که من در جریان بمب گذاریها بوده ام. راجع به فعالیتها و فعالین حزب دمکراتیک خلق اطلاعات میخواستند. هنگامی که شوک الکتریکی وارد میکردند سوال میکردند که چرا از مبارزات در شرق تیمور حمایت میشود. در مدت دو روزی که در آنجا بودم صدای چندین نفر دیگر را نیز می شنیدم. حدودا صدای ۷_۸ نفر قابل تشخیص بود. آنها هم زیر شکنجه مثل خود من داد و فریاد میزدند.

پس از دوزخ به مرکز دایره سیاسی منتقل شدم. در آنجا ظاهراً سعی میشد، "به طور قانونی" عمل شود و حکم دادگاه را داشت. در آنجا به من اعلام شد که من بر طبق قانونی که برای "جلوگیری از فعالیت اشرا" تصویب شده بود، دستگیر شده ام. در مجموع من مدت ۸۳ روز در اسارت بودم تا اینکه با گسترش مبارزات توده ای در ماه مه، آزاد شدم.

اعتراض به دعوت

دولت فرانسه از محمد خاتمی

دهه‌سازمان سیاسی و دمکراتیک با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهور فرانسه اعتراض خود را نسبت به دعوت دولت فرانسه از رئیس جمهور حکومت اسلامی ایران داشتند و خواهان لغو سفر احتمالی وی به فرانسه شده‌اند.

در بخشی از این نامه گفته شده است:

"... ما برآنیم که دعوت از نماینده دولتی که مسئول قتل هزاران زندانی بی دفاع در تابستان ۱۳۶۷ و اعدام‌های بی پایانی است که همچنان ادامه دارند، پشت کردن به ارزشهایی است که شهرت فرانسوا بر عنوان مهد حقوق بشر موجب شده‌اند. ما یاد آورمی شویم که در تمام این دوران ترور و وحشت حاکم بر ایران آقای خاتمی عضو هیئت دولت بوده و بویژه به هنگام اعدام‌های دسته جمعی تابستان ۱۳۶۷، او وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. او هرگز این اقدامات جنایت کارانه را محکوم نکرده و برعکس لاجوردی، جلاد زندانهای ایران را "سرباز وفادار اسلام و انقلاب" خوانده است. همچنین ما یاد آور می‌شویم که او رئیس جمهور رژیم است که بالا ترین مقامات رهبری آن در دادگاه برلین بعنوان "عاملان مستقیم ترور مخالفین" خود در جارج از کشور محکوم شده‌اند..."

اسامی سازمانهای سیاسی، انجمن‌های دمکراتیک، نشریات و رادیوهایی که این نامه را امضا کرده‌اند به شرح زیر است:

آلمان

انجمن بیداری ایرانیان _ هانوفر
تلاش _ کانون حمایت از مبارزات مردم ایران _ کلن
جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران _ کلن
کانون پناهندگان سیاسی ایران _ برلین
کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران _ آخن
کانون سیاسی فرهنگی ایرانیان _ سویکاو
کانون مستقل سیاسی ایران _ لایپزیک
کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
مجمع ایرانیان آزادیخواه و دمکرات _ مونیخ
مرکز فرهنگی ایرانیان _ هایلبرگ
مرکز فرهنگی ره آورد _ آخن
نشریه سینمای آزاد _ زاربروکن

دانمارک

رادیو پناهندگان _ کپنهاک

سوئد

آسیل کمیته _ گروه ایران _ گوتنبرگ
انجمن نقد و پژوهش
رادیو پیک _ گوتنبرگ
رادیو ما و شما _ استکهلم
کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)
کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران _ استکهلم
هیئت تحریریه آوای زن
هیئت تحریریه اطلس
هیئت مسئولین فرهنگ سراس اندیشه _ گوتنبرگ
کمیته دفاع از آزادی و مبارزه با ترور و اختناق در ایران _ گوتنبرگ

سوئیس

شورای دمکراتیک ایرانیان مقیم سوئیس
کانون دمکراتیک ایرانیان مقیم سوئیس

فرانسه

نشریه آرش

وظیفه ((هیئت هماهنگی تدارک تریبونال بین المللی)) کدام است؟

و نمیتواند باشد، قطعاً نتایج وخیمی در پی خواهد داشت و اگر همین مسیر ادامه یابد، پیش از آنکه اصلاً دادگاه تشکیل شود، از هم خواهد پاشید. دلیل آن هم روشن است. اگر این احساس در میان مخالفین جمهوری اسلامی پدید آید و گسترش یابد که تریبونال میخواهد به یک سازمان سیاسی ابزار دست لیبرالها و یا سازمانهای سیاسی دیگر تبدیل شود و در واقع، مسئله تشکیل تریبونال بین‌المللی به یکسو استفاده سیاسی تبدیل گردد، به سرعت اعتبار خود را از دست خواهد داد. همان تشکلهای دمکراتیکی که برای تشکیل این دادگاه اعلام همکاری و حمایت نموده‌اند، یکی پس از دیگری خود را کنار خواهند کشید. علاوه بر این تریبونال به عرصه کشمکش سیاسی سازمانهای تبدیل خواهد شد که به نحوی در آنجا حضور دارند، و سرانجام این که چند نفری باقی خواهند ماند که وظیفه تعطیل تریبونال بین‌المللی را قبل از تشکیل آن عهده دار خواهند شد.

لذا تا دیر نشده هیئت هماهنگی تدارک تریبونال باید هرچه سریعتر مسیری را که تاکنون دنبال کرده تغییر دهد و به وظیفه اصلی خود یعنی تدارک تشکیل دادگاه بین‌المللی بازگردد. اگر هیئت هماهنگی تدارک همچنان میخواهد در نقش یک سازمان سیاسی ظاهر شود، باید این را صریحاً به مردم و همه تشکلهائی که برای تشکیل دادگاه بین‌المللی پیش قدم شده اند بگوید، در آن صورت هر کس که تمایل داشت میتواند با آن همکاری کند و یا از آن حمایت نماید. اما این دیگر نام اش هیئت هماهنگی تدارک تشکیل دادگاه بین‌المللی نخواهد بود.

روند حرکت هیئت هماهنگی تدارک تریبونال بین المللی در همین مدت کوتاهی که از تشکیل آن می گذرد، نشان میدهد که از وظائف اصلی خود فاصله گرفته و در مسیر دیگری گام برداشته است. اصل قضیه از این قرار بود که یک دادگاه بین المللی سمبلیک با مداخله فعال مخالفین جمهوری اسلامی و جلب حمایت سازمانها و شخصیت‌های مترقی، دمکرات و انسان دوست در عرصه بین المللی تشکیل شود و جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، کشتار صدها هزار تن از مردم ایران، اعدام، زندان و شکنجه دهها هزار تن از مخالفین، کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی، سرکوب و سلب حقوق کارگران و زحمتکشانشان ایران، ستمگری نسبت به زنان و پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانی آنها و سلب آزادی‌های سیاسی از عموم مردم ایران، به محاکمه کشیده شود تا افکار عمومی جهان پیش از پیش در جریان جنایات پیشمار حکومت اسلامی قرار بگیرد. بنابراین روشن است که هیئت هماهنگی تدارک تریبونال بین‌المللی وظیفه‌ای جز این نداشته و ندارد که تدارک برگزاری این دادگاه بین‌المللی را ببیند. اما اطلاعاتی ما و مواضع این هیئت تاکنون حاکی است که به جای وظیفه اصلی خود یعنی تدارک دادگاه، وظیفه دیگری در برابر خود قرار داده و در نقش یک سازمان سیاسی ظاهر شده است. پی در پی در مورد روی دادهای سیاسی ایران اطلاعیه صادر میکند، فراخوان به تظاهرات و گردم آئی میدهد و ...

گام برداشتن در چنین مسیری که بهیچوجه در حیطه وظائف هیئت هماهنگی تدارک تریبونال نبوده

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

_ پاریس

کانادا

انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی (بریتش کلمبیا)
رادیو صدای زن _ ونکوور

نروژ

رادیو همصدا

هلند

کانون زندانیان سیاسی ایران

کانون سیاسی فرهنگی پیوند

نشریه زن در مبارزه

احزاب و سازمانهای سیاسی

اتحاد چپ کارگری

اتحاد فدائیان کمونیست

برای چپ نو

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کمونیست ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

مواجهه با یکی از فعالین جنبش دانشجویی اندونزی

* در اندونزی به جز سازمانها و گروههای زنان وابسته به سوهارتو، بدلیل خفقان از تشکلهای زنان و قاعدتا از مطالبات مشخص زنان اثر محسوسی نبود. بعد از برکناری سوهارتو از یک طرف روزنه هائی ایجاد شد که با توجه به آن، امکان تشکل یابی بود و از طرف دیگر فشار و سرکوب نظامیان علیه زنان زمینه به میدان کشیده شدن زنان حول مطالبات مشخص زنان را بوجود آورد.

هم اکنون تشکلی بوجود آمده است که عمدتاً ترکیبی است از گرایشات مختلف چپ. یکی دیگر از مواردی که طی دو ماه اخیر توجه فراوانی را در داخل و خارج از اندونزی جلب کرده است تجاوز به زنان است. فعالین سیاسی زن جهت زدودن توهمات و افشا دولت حبیبی و نظامیان به پیگیری این موارد میپردازند و تاکنون در کشورهای اروپائی حمایت فراوان مادی و معنوی را جلب نموده‌اند. نکته قابل توجه در این تجاوزات نقش بارز نظامیان است.

همانگونه که میدانید بسیاری از ارتشیان رده‌های پائین با گسترش مبارزات توده ای از شلیک به سوی معترضین سرباز زند. اسلحه به زمین گذاشتند و به صفوف مردم پیوستند. یکی از شیوه های مجازات و تنبیه این عده، تجاوز به همسران یا خواهران این افراد است. ارتشیان با مراجعه به منازل این عده نخست اموال آنها را یا به غارت میبرند یا به آتش میکشند و زنان را مورد تجاوز قرار میدهند.

با توجه به این مساله بدیهی است که افشا و انعکاس این موارد، نقش زیادی در زدودن توهمات نسبت به حبیبی و نظامیان گوش به فرمان وی دارد.

کمک مالی به سازمان

یک وظیفه انقلابی است

اخباری از ایران

اعتراض کارکنان مجتمع پتروشیمی
روزنامه رسالت اعلام کرد که روز یکشنبه هفدهم آبان ماه، نمایندگان کارکنان قراردادی پتروشیمی بندرامام، برای پیگیری مشکلات همکاران خود، در مجلس حضور یافته و مشکلات خویش را با برخی از نمایندگان در میان گذاشتند. یکی از نمایندگان کارکنان مجتمع پتروشیمی به خبرنگار روزنامه رسالت گفت: ۷۵۰ نفر از پرسنل این مجتمع پترو شیمی، مدت ۸ سال است که به صورت قراردادی کار میکنند و برغم اینکه ۵۵ نماینده مجلس به رئیس جمهور نامه نوشته اند و ایشان هم دستور پیگیری داده اند، اما هنوز نتیجه ای حاصل نشده است. سرمایه داران و مسئولین دولتی مدتها است که کارگران این مجتمع را سرگردان نموده اند، مرتب به آنها وعده و وعید می دهند، کارگران را به این طرف و آن طرف می فرستند، اما از استخدام آنان حتی بعد از ۸ سال کار سر باز میزنند. این حق مسلم همه این کارگران و کارکنان است که به استخدام رسمی در بیایند و از حقوق و مزایای استخدامی برخوردار گردند. کارگران فقط در سایه اتحاد و یکپارچگی خود و با تشدید مبارزه است که می توانند سرمایه داران را به عقب نشینی وادارند و مطالبات خویش را متحقق سازند.

زورگویی سرمایه داران

مدیریت شرکت کبریت فروزان مشهد، پس از تغییر مالکیت این شرکت، به بهانه "تغییر ساختار شرکت" اقدام به اخراج کلیه ۹۵ کارگر این شرکت نمود. کارگران اخراجی نسبت به این مسئله اعتراض کرده و با ارجاع دعوی خود به اداره کل کار خراسان، خواستار بازگشت به کار شدند. پس از آنکه هیئت های رسیدگی، رای به ابقا کلیه کارگران را صادر نمودند، مدیریت جدید شرکت، کارگران را وادار نمود تا قراردادهای جدیدی را امضا و شرایط مدیریت را بپذیرند. اکثریت کارگران این شرکت پس از پذیرش اجباری این مسئله به سرکارهای خود بازگشتند و ده تن از کارگران که هنوز زیر بار این زورگویی و حق کشی مسلم نرفته اند، همچنان سرگردان و بلا تکلیف اند. قابل ذکر است که کارفرما از پرداخت حقوق کارگران دریامی که شرکت بحالت بلا تکلیفی درآمده نیز خودداری نموده است.

اخراج کارگران ایران نشکن

شرکت ایران نشکن بابل سر، سازنده قطعات قطار، تعدادی از کارگران این شرکت را اخراج نمود. در حالی که گفته می شود این کارگران بخاطر آنکه خواستار تشکیل شورای اسلامی شده اند، اخراج شده اند، اما مدیر عامل شرکت این ادعا را رد کرده و گفته است که علت اخراج، عدم فروش قطعات تولیدی است.!

کارخانه جهان

چیت کرج تعطیل شد

صاحبان کارخانه جهان چیت کرج، پس از آن که مدتی کارگران این کارخانه را سرگردان نموده و در بلا تکلیفی نگاهداشته بودند، سر انجام این کارخانه را تعطیل و ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه را از کار بیکار نمودند. قابل ذکر است که ۵۱ درصد سهام این کارخانه متعلق به بنیاد مستضعفان است ←

جمله چنین نوشته اند "ما کارگران شهرداری مورد ظلم قرار گرفته ایم. حدود ۱۰ هزار نفر ما را در عین بی قانونی از کار بر کنار کردند. از سال ۷۴ تا کنون پیگیر شکایت هایمان از شهرداری هستیم و در سال ۷۶ هم یک شکایت با ۲۰۰۰ امضا کارگران شاکلی به شعبه ۲۶ دادگاه ارائه دادیم ولی رسیدگی نشد. . . تقاضا داریم این موضوع را که از سال ۷۴ زندگی حدود ۱۰ هزار کارگر را برهم زده و آنها را از زندگی ساقط کرده است پیگیری نمائید تا حق ما را ببندند."

نامه اعتراضی کارگران شرکت کرمانیت

بدستور مدیر کارخانه کرمانیت کرمان، از ورود ۶۶ تن از کارگران به کارخانه ممانعت گردید. کارگران نسبت به این اقدام مدیر کارخانه اعتراض نموده و سپس با ارسال یادداشت اعتراض آمیزی به روزنامه ها، اعلام کردند که از تاریخ ۷۷/۷/۱ که مانع ورود آنها به کارخانه شده اند تا کنون بلا تکلیف اند و علیرغم مراجعه مکرر به اداره کل کار کرمان و وعده های مسئولین مربوطه، هیچ اقدام موثری برای حل مشکلات آنها بعمل نیامده است. این کارگران در انتهای نامه خود خواستار آن شده اند که به مشکلات آنها و وضعیت استخدامی شان رسیدگی شود.

تجمع اعتراضی کارگران خانه سازی کرمان

کارگران خانه سازی کرمان، در اعتراض به تعویق پرداخت هشت ماه حقوق و مزایای خود، با تجمع در محل خانه کارگر کرمان، خواستار پرداخت حقوقهای عقب مانده و رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران که به علت خودداری کارفرما از پرداخت دستمزد بآنها، ماههاست که خودو اعضا خانواده شان به لحاظ معیشتی در شرایط بسیار دشواری بسر می برند، برای دریافت حق و حقوق خود، مکرر به مقامات و مسئولین مربوطه مراجعه کرده اند، اما آنان جز وعده و وعید چیزی به کارگران نداده اند. یکی از کارگران در این مورد گفت "هشت ماه تمام است که مسئولان استان کرمان به ما وعده و وعید میدهند اما تا کنون اقدام موثری برای حل مشکلات صورت نگرفته است"

اعتصاب

بیش از ۲۵۰ نفر از کارکنان فرهنگ سرای بهمین در اعتراض به عدم پرداخت بودجه مصوبه از سوی شهرداری تهران، که عدم پرداخت حقوق و مزایای این کارکنان را در پی داشته است، دست از کار کشیده و در محوطه این فرهنگ سرا اجتماع کردند. این کارکنان که بعد از مراجعات مکرر به مقامات و مراکز مربوطه جهت رفع مشکلات خود بی اثر ماندن آن، دست به این حرکت اعتراضی زده بودند، چنین مطرح ساختن که تا به درخواستهای آنان رسیدگی نشود، از ادامه کار خودداری خواهند کرد.

اعتصاب در پارسیلون

کارگران پارسیلون در اعتراض به نحوه مدیریت شرکت و همچنین برای افزایش حقوق و مزایای خویش دست از کار کشیدند. کارگران با برپائی یک تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه، ضمن صدور یک بیانیه ۱۶ ماده ای خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. در این بیانیه، کارگران ضمن اشاره به اقدامات سرکوبگرانه مسئولین که زمانی خود را "حامی مستضعفان" قلمداد می کردند، از جمله چنین نوشته اند: "حقوق و مزایای شرکت برای امرامعاش ما کافی نیست و خواهان تجدید نظر در این خصوص هستیم. ما تقاضا داریم که بهره وری و سود سهام شرکت محاسبه و بموقع پرداخت شود. برخورد مسئولان با کارگران به هنگام مشکلات، صحیح باشد. وام مسکن با بهره کم در اختیار متقاضیان قرار گیرد. . . امکانات رفاهی لازم برای کارگران و خانواده هایشان فراهم گردد و . . ."

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آجر

کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان، با برپائی یک تجمع اعتراضی در محل خانه کارگران شهر، نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خویش و همچنین اوضاع نا بسامان این کارخانه که کارگران را به حالت بلا تکلیفی انداخته است، اعتراض کردند. به گفته کارگران این کارخانه، در حالیکه روزانه ۲۰۰ هزار قالب آجر در این کارخانه تولید می شود و تمام آن به فروش میرسد، معهدا کارفرما از پرداخت حقوق کارگران امتناع نموده و بیش از ۴ ماه است که حقوق آنها را پرداخت نکرده است.

تجمع اعتراضی کارگران اخراج شده

روز یکشنبه دهم آبان، جمعی از کارگران اخراج شده مجتمع متالوژی پودر ایران، با تجمع در محل روزنامه خور و کارگر، خواستار بازگشت به سر کارهای خود شدند. قابل ذکر است که حدود ۲ سال است که مدیریت مجتمع یاد شده، جمع زیادی از کارگران این موسسه را اخراج کرده است و علیرغم صدور حکم از طرف هیئت حل اختلاف، مبنی بر بازگشت به کار آنان، معهدا از بازگشت این کارگران به سر کارهای خود ممانعت بعمل می آورند.

اعتراض کارگران دارو پخش ایران

کارگران دارو پخش ایران با ارسال یادداشتی به روزنامه ها نسبت به عدم پرداخت پاداش و بهره وری خویش، اعتراض کردند. کارگران در یادداشت اعتراضی خود از جمله نوشتند "مدت ۸ ماه است پاداش و بهره وری ما کارگران شرکت دارو پخش را پرداخت نکرده اند" در انتهای این یادداشت اعتراضی، کارگران خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

نامه اعتراضی کارگران شهرداری

دو تن از کارگران شهرداری به نمایندگی از ۲۰۰۰ کارگر از مجموع ده هزار کارگر اخراجی شهرداری تهران، با ارسال یادداشتی به روزنامه ها، نسبت به اخراج حدود ۱۰ هزار نفر از کارگران شهرداری اعتراض کردند. کارگران در نامه اعتراضی خود از

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

۱۳۷۰ نشان میدهد که در سال ۳۵ تنها ۹/۶ درصد شاغلین کل کشور را زنان تشکیل میدهند که این نسبت در سالهای ۴۵ و ۵۵ به ۱۳/۲ و ۱۳/۷ درصد رسیده است. این رقم در سال ۶۵ به ۸/۸ در صد کاهش یافت و در سال ۷۰ تا ۹/۳ در صد افزایش پیدا کرده است!

یعنی جمهوری اسلامی درصد زنان شاغل را ظرف ۱۳ سال اولیه حکومت خود، به پائین تراز سطح ۳۵ سال قبل از آن تقلیل داده است!

همین بررسی حاکی از آن است که نسبت زنان مدیر و متخصص به کل شاغلان زن را نیز ارقام بسیار ناچیزی تشکیل میدهد. بطوریکه در سال ۷۲، تنها ۹٪ شاغلان زن را مدیران و کارمندان عالی رتبه اداری تشکیل داده اند و نسبت متخصصان و کارشناسان و تکنیسین های علوم فیزیکی و شیمی ۲٪ و در امور اقتصادی و بازرگانی نیز ۲٪، حقوق دانان ۶٪، قانونگذار و کارمند عالی رتبه ۱٪ بوده است.

اجازه نخواهیم داد!

جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی که عضو شورای عالی "انقلاب فرهنگی" رژیم هم هست، در مراسم معارفه رئیس دانشگاه آزاد اسلامی اراک گفت با توجه به این که پوشش زنان با چادر در بسیاری از شهرها بعنوان حجاب برتر مطرح است، لذا اجازه نخواهیم داد دانشجویان این دانشگاه به بافت این شهرها لطمه وارد کنند. وی گفت کسانی که فکر میکنند با تغییر مدیریت دانشگاه آزاد اراک، رعایت حجاب برتر در این واحد الزامی نخواهد بود، سخت در اشتباه هستند!

احضار وزیر آموزش عالی

وزیر فرهنگ و آموزش عالی رژیم دکتر معین، از سوی ده تن از نمایندگان مجلس برای پاسخگویی در مورد وقایع دانشگاه اهواز و عدم برخورد وزیر به دفتر تحکیم وحدت و دخالت های آن در این دانشگاه، به مجلس فرا خوانده شد. قابل ذکر است که نامبرده قبل از این دو بار در جلسه کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی مجلس حضور یافته و مورد سؤال احضار کنندگان قرار گرفته بود، که پاسخ های وی قانع کننده تشخیص داده نشده بود. این بار نیز در تاریخ ۱۷ آبان در جلسه علنی مجلس ارتجاع حاضر شد و در پاسخ به سؤالات عده ای از این باصلاح نمایندگان گفت: " همه تشکلهای دانشجویی اعم از دفتر تحکیم وحدت، جامعه اسلامی و بسیج دانشجویان را فرزندان خود میدانم " وی از نمایندگان خواست مسائل ساده دانشجویی را بزرگ نکنند! معهذ این بار نیز پاسخ های این وزیر مرتجع، نمایندگان مرتجع را قانع نکرد و موضوع برای بررسی بیشتر به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

افزایش قیمت ها

قیمت یک کیلو گوشت از حدود ۱۱ هزار ریال به ۲۰ هزار ریال رسیده است. یک کیلو تخم مرغ از ۵۹۰۰ ریال به ۹ هزار ریال رسیده است. اوائل سال جاری می توانستی با ۱۵۰ ریال یک دانه تخم مرغ بخری، و اواسط آبان ماه قیمت یک دانه تخم مرغ به ۲۰۰ ریال و اکنون در نیمه اول آذرماه به ۴۵۰ ریال رسیده است. پیاز هر کیلو به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ریال رسیده است. یک دلار آمریکا در بازار آزاد سه شنبه ۱۹ آبان از مرز ۷۰۰۰ ریال هم گذشت و به ۷۱۰۰ ریال رسید.

۱۴ ←

آنان همچنین با ارسال نامه سرگشاده ای به وزیر نفت، ضمن اشاره به نا روشن بودن وضعیت استخدامی و عدم تضمین شغلی خود، خواستار آن شدند تا نماینده ای را جهت حل هرچه سریعتر مشکلات و ارائه ضمانت شغلی به آبدان اعزام کند. این دانشجویان تاکید داشتند تا زمانی که خواسته هایشان برآورده نشود، همچنان از رفتن به کلاسهای درس خود داری خواهند کرد. یکی از دانشجویان در زمینه عدم تضمین شغلی فارغ التحصیلان این دانشکده می گوید: " فارغ التحصیلان این دانشکده، هیچ آینده روشنی ندارند زیرا اکثر آنان هم اینک بیکار هستند".

تجمع اعتراضی دانشجویان

نزدیک به هزار نفر از دانشجویان " دانشگاههای شهید بهشتی و الزهرای تهران " با برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل دفتر نهاد ریاست جمهوری، نسبت به اقدامات و تصمیمات مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی مبنی بر انتقال دانشجویان مراکز آموزش عالی غیرانتقاعی به این دانشگاهها، اعتراض کردند. قابل ذکر است که این چندمین بار است که دانشجویان مذکور نسبت به این مسئله دست به اعتراض می زنند.

اعتراض دانشجویی در قم

اوائل آبان ماه دانشجویان دانشگاه قم، در اعتراض به شیوه های تدریس این دانشگاه از ورود به کلاسهای درس خودداری کردند. این دانشجویان در دومین روز اعتصاب خود، دست به یک راهپیمایی در محوطه دانشگاه زدند و طی شعارهایی خواستار تعویض رئیس دانشگاه شدند. از آنجا که بعد از سپری شدن چند روز پاسخ مثبتی به مطالبات دانشجویان داده نشد آنان بار دیگر از اواسط آبان ماه دست به تحصن زدند و از روز ۱۷ آبان بار دیگر دست به تحصن زدند. دانشجویان اعلام کرده اند تا رسیدن به خواست خود به تحصن ادامه خواهند داد و چنانچه مامورین دانشگاه وارد عمل شوند با آنان نیز برخورد خواهند کرد.

تجمع اعتراضی

دانشجویان دوره شبانه

دهها تن از دانشجویان دوره شبانه " دانشگاه امام خمینی " روز دهم آبان در برابر ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم، تجمع کرده و نسبت به افزایش میزان شهریه ها دست به اعتراض زدند. این دانشجویان همچنین خواستار ارائه خدمات و امکانات رفاهی مناسب شدند.

همچنین دانشجویان دوره شبانه دانشگاه تربیت معلم سبزوار، با تهیه و امضای طوماری که آن را برای روزنامه ها ارسال کردند، نسبت به این مسئله اعتراض نمودند. این دانشجویان همچنین برنامه ای به وزارت فرهنگ و آموزش عالی نسبت به این مسئله ابراز نا رضایتی کرده و خواستار پاسخگویی و توضیح شدند. قابل ذکر است که دولت در نظر دارد بین ۱۰۰ تا ۱۷۰ درصد بر میزان فعلی شهریه دانشجویان اضافه کند.

تبعیض در یک نگاه

طبق یک بررسی آماری که در روزنامه کارو کارگر ۱۶ آبان ۷۷ به چاپ رسیده است، بررسی نسبت زنان به کل شاغلین کشور، طی سالهای ۱۳۳۵ تا

← که دزد بزرگی به نام رفیق دوست در رأس آن است و بقیه آن متعلق به سازمان گسترش صنایع ملی ایران و بانک ملی ایران میباشد. صاحبان کارخانه به بهانه بدهکاری و نبود مواد اولیه، فعالیت کارخانه را متوقف ساخته و در عمل موجبات بیکاری و سرگردانی هزاران کارگر زحمتکش این کارخانه را فراهم و سبب وخامت بیش از پیش اوضاع معیشتی و گرسنگی متجاوز از ۱۵۰۰۰ نفر از اعضا خانواده های کارگران شده اند.

حقوق کارگران را پرداخت نمی کنند!

در گزارشی که روز هفدهم آبان، یکی از اعضای کمیسیون کار مجلس رژیم، در مورد مسائل و مشکلات کارگری به سایر اعضا این کمیسیون ارائه کرد، اعتراف نمود که " جمع زیادی از کارگران در واحدهای تولیدی تهران چند ماه است که حقوق دریافت نکرده و خانواده های آنان دچار مشکلات معیشتی شده اند ". در همین رابطه دبیر کل خانه کارگر در جای دیگری گفت، در سال جاری ۳۹۲ واحد تولیدی با مشکل پرداخت حقوق کارگران مواجه شده اند! بنا به اعتراف یکی از شماره های روزنامه رسالت در آخر آبان ماه، حقوق بیش از ۴۰۰ هزار تن از کارگران پرداخت نشده است.

رکود و بیکاری

مدیر کل صنایع کرمانشاه گفت ظرف چند سال اخیر ۶۸ واحد تولیدی این استان که از جمله در زمینه تولید مواد غذایی، موکت و فیلتر فعالیت می کرده اند، تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند. یک مقام مسئول فرمانداری کرج گفت از مجموع ۶۰۰ واحد صنعتی مستقر در شهرک اشتها، ۵۵۰ واحد به دلایل گوناگون در حالت رکود بسر میبرند. مدیر کل کار و امور اجتماعی استان تهران اعلام کرد در شرایط حاضر بیش از ۵۳۴ هزار نفر در سطح استان برای کارایی ثبت نام کرده اند که بیش از ۸۴ هزار نفر آنان دارای مدرک دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا هستند.

مسئول روابط عمومی کار و امور اجتماعی گیلان گفت بیش از ۱۰۰ هزار نیروی فعال این استان بیکارند. وی اضافه کرد از کل جمعیت ۷۲۹ هزار نفری فعال این استان حدود ۱۴ در صد فاقد شغلند. او نرخ بیکاری در این استان را از ۱۸ تا ۱۲ درصد ذکر نمود. مدیر کل استان آذربایجان غربی گفت اگر برای معضل بیکاری ۱۰۶ هزار نفر از نیروهای آماده به کار این استان فکری اساسی نشود، این موضوع فاجعه آفرین خواهد شد.

صنایع نساجی در خراسان

مدیر کارخانه پشمیافی توس مشهد در مورد وضعیت نابسامان صنایع نساجی استان خراسان گفت: در حال حاضر ۷۰ در صد صنایع نساجی این استان بحالت رکود و توقف کامل در آمده است. او گفت از مجموع ۲۴ کارخانه نساجی این استان، تنها ۵ کارخانه مشغول بکار می باشد.

اعتصاب دانشجویان دانشکده نفت آبادان

دانشجویان دانشکده نفت آبادان، روز شنبه دوم آبان از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند.



اعتصاب کارگران پست و مخابرات در الجزایر

۴۵ هزار نفر از کارگران پست و مخابرات از روز ۱۶ نوامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. خواست کارگران افزایش پاداشها برای سال نو، پرداخت وام مسکن با بهره کم به کارگران و ایجاد امکانات بیشتر رفاهی میباشد. پس از گذشت چند روز دادگاه رسیدگی به تخلفات اداری، این اعتصاب کارگران را غیر قانونی اعلام نمود و از اعتصابیون خواست که هر چه سریعتر به سرکار بازگردند. کارگران نیز اعلام نمودند که این رای دادگاه را به رسمیت نشناخته و تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد. اقدام بعدی دولت برای درهم شکستن این اعتصاب، تهدیدات وزارت حمل و نقل مبنی بر اخراج تمام کارگران اعتصابی این کشور بود. در همین حال رهبر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری الجزایر UGTA اعلام نمود که در صورت ادامه تهدیدات دولت، کارگران سایر بخشها در همبستگی با اعتصابیون، دست از کار خواهند کشید.

اعتصاب کارگران حمل و نقل در ایتالیا

با اعلام تصمیم دولت ایتالیا مبنی بر خصوصی سازی حمل و نقل شهری و بخشی از خطوط هوایی دولتی این کشور موج اعتصابات وسیعی از روز ۹ نوامبر در این کشور آغاز شد. در این روز کارگران و کارمندان خطوط هوایی این کشور دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. همزمان با این حرکت، رانندگان تاکسی در شهر رم تا روز ۱۲ نوامبر دست از کار کشیدند. روزهای ۱۰ و ۱۲ نوامبر نیز نوبت کارگران خطوط مترو و رانندگان اتوبوسهای شهری خواهد بود که در اعتراض به تصمیمات دولت، دست از کار بکشند. روز ۱۰ نوامبر تمامی کارگران و رانندگان اعتصابی در خیابانهای شهر رم راه پیمایی کرده و خواهان توقف خصوصی سازیها شدند. روز ۲۳ نوامبر نیز کارگران راه آهن دولتی این کشور دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند.

اعتصاب کارگران راه آهن در کشورهای اروپائی

به فراخوان اتحادیه کارگران حمل و نقل اروپا، کارگران این بخش در بلژیک، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، یونان و لوکزامبورگ دست به یک رشته اعتصابات زدند. این اعتصابات در اعتراض به تصمیم کمیسیون راه و ترابری اتحادیه مشترک اروپا مبنی بر واگذاری ۲۵ درصد از حمل و نقل کالاها تا ۱۰ سال آینده، انجام گرفت. این در حالی است که در سال ۱۹۷۰ سهم راه آهن دولتی کشورهای اروپائی در حمل و نقل کالاها بالغ بر ۲۲ درصد بود. این سهم در سال ۹۶ به ۱۴ درصد کاهش یافته است. طی ۲۵ سال بیش از نیم میلیون نفر در نتیجه واگذاری حمل و نقل کالا به بخش

خصوصی، کار خود را از دست داده‌اند. از سوی دیگر تجربیات کارگران راه آهن انگلستان به وضوح نشان میدهد که برغم تبلیغات عوامفریبانه مدافعان نظم سرمایه، خصوصی سازی حمل و نقل کالاها توسط راه آهن تنها به افزایش تعداد بیکاران منجر خواهد شد. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران راه آهن بلژیک، اسپانیا و یونان روز ۲۲ نوامبر دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. در فرانسه کارگران راه آهن از روز ۲۲ تا روز ۲۴ نوامبر کارها را تعطیل نمودند. کارگران راه آهن در پرتغال و لوکزامبورگ روز ۲۳ نوامبر دست به یک اعتصاب ۲ ساعته زدند. کارگران راه آهن در آلمان، هلند، اتریش و انگلستان با ارسال نامه های اعتراضی به اجلاس وزرای راه و ترابری اروپا و توزیع تراکت در قطارهای مسافری طی روزهای اعتصاب درسایر کشورها، نارضايتی خود از سیاست خصوصی سازی کمیسیون راه و ترابری اروپا را به نمایش گذارند.

معدنچیان بلغار: دستمزدها را دو برابر کنید!

قریب به ۵۰۰ هزار نفر از کارگران معدن در جنوب بلغارستان، از روز ۱۰ نوامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اعتصابیون خواستار افزایش دستمزدها به ۲ برابر شدند. تنها عکس العمل دولت این کشور در مقابل این حرکت، تشدید تهدیدات بوده است. در این مورد نیز دولت اعلام نمود که در صورت ادامه اعتصاب، معادن این منطقه را تعطیل خواهد کرد.

تظاهرات و اعتصاب علیه افزایش قیمت‌ها در زیمبابوئه

افزایش یکباره قیمت بلیط اتوبوس شهری به میزان ۴۰ درصد، برای دومین بار طی سال جاری، توده های جان به لب رسیده این کشور را به رودروئی با رژیم حاکم بر این کشور کشاند. ژانویه ۹۸ ارتش زیمبابوئه با آتش گشودن به روی توده های کارگر و زحمتکش که علیه افزایش قیمت مایحتاج اولیه زندگی بپا خواسته بودند، حرکات را موقتاً سرکوب کرد. در روز ۴ نوامبر بار دیگر پایتخت این کشور شاهد، درگیری وسیعی بین هزاران تن از مردم خشمگین و مامورین پلیس و ارتش بود. در این روز تظاهر کنندگان با سنگر بندی در خیابانها و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف به سوی مامورین سرکوبگر پلیس و ارتش خشم و نارضايتی خود را به نمایش گذارند. با پیوستن جنبش کارگری به جنبش اعتراضی، ابعاد نارضايتی گسترش یافت. روز ۷ نوامبر کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری زیمبابوئه ZTU از تمام کارگران دعوت به عمل آورد تا به یک اعتصاب ۵ روزه دست بزنند. همزمان با این اعتصاب ۶ هزار نفر از معدنچیان معادن مس شمال این کشور، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد در ماههای اخیر، دست از کار کشیدند و کنترل معادن این منطقه را بدست گرفتند. برای سرکوب کارگران اعتصابی هزاران نفر سرباز ارتش به این منطقه گسیل شده و برای پایان دادن به اعتصاب کارگران، به روی آنها آتش گشودند. در اثر این تیراندازی ۲ نفر از اعتصابیون جان خود را از دست دادند. برغم وحشی گریهای ارتش این کشور، معدنچیان به اعتصاب خود ادامه داده و اعلام نمودند تا

آزادی کارگران دستگیر شده و دریافت دستمزد های معوقه به سرکار باز نخواهند گشت. روز ۱۱ نوامبر مجدداً کارگران در مناطق مختلف این کشور دست از کار کشیدند و خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۲۰ درصد شدند. کارگران اعلام نمودند که سیاستهای مالی تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول، دولت این کشور را وادار نموده تا توده های کارگر و زحمتکش را تحت فشار قرار دهد. کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری زیمبابوئه اعلام نمود که تا عقب نشینی کامل دولت، روزهای ۴ شنبه هر هفته را روز اعتصاب عمومی اعلام خواهد نمود. روز ۳۰ نوامبر، بدنبال گسترش مبارزات و هراس رژیم حاکم، "روبرت موگابه" رئیس جمهور این کشور به مدت ۶ ماه برگزاری اعتصاب را ممنوع اعلام کرد.

اعتصاب غذای ۱۲۷ کارگر مهاجر در هلند

از اواخر نوامبر سال جاری، ۱۲۷ کارگر مهاجر که سالهای زیادی در هلند کار کرده اند، در اعتراض به عدم دریافت اجازه اقامت، دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند. این عده که عمدتاً کارگرانی هستند که طی سالهای ۷۰ و ۸۰ برای فروش نیروی کار خود به هلند وارد شده اند، تاکنون موفق به دریافت اجازه اقامت دائم نشده اند. طبق قوانین جاری هلند، این کارگران باید ۶ سال متوالی و سالانه ۲۰۰ روز متوالی کار کرده باشند تا واجد شرایط محسوب شده و برگه اقامت دریافت نمایند.

دهها تن از اعتصابیون، کارگرانی هستند که با وجود این که ۱۸_۱۷ سال در سخت ترین شرایط جان کنده اند، با اختلاف چند روز، حد نصاب فوق را حائز نشده، لذا از اجازه اقامت که از حقوق ابتدائی آنان است، محروم اند.

مومیا ابوجمال، مبارز سیاهپوست در استانه مرگ

روز ۲۹ اکتبر، دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا با تقاضای فرجام علیه حکم اعدام مبارز سیاهپوست آمریکائی، مومیا ابوجمال مخالفت نمود. مومیا ابوجمال که قریب ۲۰ سال در "راهروی مرگ" زندان شهر فیلادلفیا به سر میبرد به اتهام واهی قتل یک مامور پلیس به اعدام محکوم شده است. همچنین مقامات پلیس و فرماندار این شهر با اعمال سیاستهای نژادپرستانه از عضویت رنگین پوستان در هیئت منصفه دادگاه بررسی محکومیت وی جلوگیری نموده است. از سوی دیگر سازمان نژاد پرستانه "برادری پلیس" _ اتحادیه سراسری پلیس آمریکا _ با اعمال خشونت و تهدید، از حضور شاهدانی که میتوانستند علیه ادعاهای پلیس و به نفع مومیا ابوجمال در دادگاه شهادت بدهند، جلوگیری کرده است. در همین رابطه صدها گروه و سازمان مترقی و مدافع حقوق بشر و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان با صدور اطلاعیه و ارسال نامه های اعتراضی به مقامات مسئول در ایالت پنسیلوانیا، به این عمل ضد انسانی اعتراض نمودند. روز ۷ نوامبر نیز صدها نفر در دهها شهر آمریکا، در آفریقای جنوبی و ۶ کشور اروپائی با برپائی تظاهرات خواهان آزادی فوری این مبارز سیاهپوست شدند.

زنده باد سوسیالیسم



جمهوری اسلامی جنایتی دیگر آفرید

و

محمد مختاری را به قتل رساند

محمد مختاری شاعر و نویسنده مترقی، یکی از چهره های سرشناس ادبیات ایران که در طول تمام دوران زندگی خود علیه اختناق و سرکوب رژیم های حاکم بر ایران مبارزه کرد و سالها از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی سپری نمود، توسط جمهوری اسلامی به قتل رسید.

محمد مختاری که یکی از فعالین برجسته کانون نویسندگان ایران در دوران کوتاه پس از سرنگونی رژیم شاه بود، اخیرا به همراه تعداد دیگری از نویسندگان، تلاش گسترده ای را برای تجدید فعالیت علنی کانون نویسندگان ایران آغاز کرده بود.

رژیم جمهوری اسلامی با فشار و تهدید و بازداشت کوشید او را از ادامه تلاش و مبارزه برای تجدید فعالیت کانون باز دارد. اما محمد مختاری به مبارزه خود علیه اختناق و سرکوب و برای تجدید فعالیت کانون نویسندگان ادامه داد.

سرانجام، روز پنجشنبه ۱۲ آذر وی ناپدید شد و از او خبری نبود تا این که امروز چهارشنبه، خانواده اش جسد او را در پزشکی قانونی پیدا کردند. طبق اطلاعاتی که پزشکی قانونی ارائه داده، گویا پلیس جسد او را روز جمعه ۱۳ آذر در شهری پیدا کرده است. این در حالی است که تا دیروز پزشکی قانونی از وجود فردی با مشخصاتی که خانواده وی ارائه داده بودند، اظهار بی اطلاعی کرده بود. جزئیات امر هرچه باشد، این واقعیت کاملا مسجل است که محمد مختاری توسط دستگاه امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی ربوده شده و به قتل رسیده است.

ترور محمد مختاری که در پی مرگ مشکوک مجید شریف و ترور ارباب و پروانه فروهر صورت گرفته است، ابعاد و دامنه وحشیگریهای حکومت اسلامی را نشان می دهد.

ترورهای پی در پی چند هفته اخیر بیانگر این واقعیت اند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین شیوه های سرکوب برای قلع و قمع مخالفین و سرکوب جنبش اعتراضی مردم دست به کار شده است و ترور را به عنوان یکی از اشکال اصلی سرکوب و در شکلی گسترده در دستور کار قرار داده است.

این ترورها را دیگر نمیتوان بعنوان ترورهای موردی همانند سالهای گذشته ارزیابی کرد، این ترورهای سیستماتیک چیزی فراتر از گذشته اند و به یکی از ابزارهای اصلی سرکوب رژیم تبدیل شده اند.

واقعیت امر این است که با رشد روزافزون نارضایتی و اعتلاء جنبش، رژیم جمهوری اسلامی که چشم انداز یک جنبش وسیع توده ای را در برابر خود می بیند، برای مقابله با آن، گذشته از ارگانهای رسمی سرکوب، سازماندهی جوخه های مرگ را به شکلی گسترده در دستور کار قرار داده است. دستگاههای نظامی و انتظامی، امنیتی و قضائی و دستگاه روحانیت، سازمان دهندگان اصلی این جوخه های ترور و مرگ هستند.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی، ترور را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سرکوب در سطحی گسترده در دستور کار قرار داده و در چند روز اخیر چند تن از مخالفین جمهوری اسلامی توسط جوخه های مرگ به قتل رسیده اند، رئیس جمهور عوام فریب حکومت اسلامی که وظیفه ای جز بزک کردن چهره کریمه و ضدانسانی این رژیم ندارد، از آزادی و حقوق انسانها در چارچوب حکومت ضد بشری و تعقیب و مجازات قاتلین سخن می گوید.

اما این ترورهای پی در پی، بیش از پیش ماهیت حکومت ضد بشری و وحشتناک جمهوری اسلامی و خصلت ارتجاعی تمام سران و دست اندرکاران رژیم را برملا می سازد. وحشی گریهای اخیر جمهوری اسلامی به هراسان اندک حقیقتا آزادیخواه نشان می دهد که راه دیگری برای پایان دادن به فجایع وحشتناک جمهوری اسلامی جز سرنگونی قهر آمیز این رژیم وجود ندارد.

جمهوری اسلامی ترور سیستم شده ارتجاعی را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سرکوب به شکلی همه جانبه در دستور کار قرار داده است، مقابله با این رژیم و وحشی گریهای جوخه های مرگ و دیگر ارگانهای سرکوب رژیم جز از طریق سازماندهی یک جنبش گسترده توده ای ممکن نیست.

باید تلاش کرد توده های وسیع مردم را به عرصه مبارزه رودررو و علنی با رژیم کشاند. تنها از طریق یک جنبش وسیع کارگران و زحمتکشان و قیام مسلحانه است که می توان به عمر ننگین این رژیم و جنایتهای بی انتهایی آن پایان بخشید.

گرامی باد محمد مختاری

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۹/۱۸

ارگان و سخنگوی ولی فقیه هم . . .

است، وخامت اوضاع تا بدان حد عیان و آشکار شده که روزنامه جمهوری اسلامی که ارگان و سخنگوی ویژه "رهبر" است، آن هم غزل خدا حافظی را سر داده است. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله ۲۷ آبان خود تحت عنوان "چه باید کرد_ حاکمیت و اقتدار ملی" با اشاره به وخامت همه جانبه اوضاع و در بطن آن شکافها و کشمکش های جناحهای درونی حکومت، خطاب به سران و مسئولان رژیم مینویسد: "باید تلاش قابل ملاحظه ای برای محدود کردن دامنه منازعات سیاسی به عمل آورند و به این نکته اساسی توجه کنند که ادامه این منازعات با اقتدار ملی منافات دارد." و در ادامه مقاله زنگ خطر را به صدا درمی آورد و میگوید: "وضعیت کنونی به نفع هیچ کس جز دشمنان نظام جمهوری اسلامی نیست. اوضاع اقتصادی کشور، اوضاع اجتماعی و معادلات بین المللی، این واقعیت را به همه ما گوشزد میکنند که بیش از هر زمان دیگری به اقتدار ملی نیازمندیم و اگر به این واقعیت توجه نکنیم، قطعاً برای حاکمیت نظام جمهوری اسلامی هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت."

این جماعات به زبانی دیگر شنیدن صدای انقلاب و رفتن حکومت الله را اعلام میدارد. وقتی که روزنامه جمهوری اسلامی هم دیگر به این نتیجه رسیده که در شرایط کنونی هیچ تضمینی برای حاکمیت نظام جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت، حاکی از این واقعیت است که اکنون حتی مرتجع ترین جناحهای حکومت هم امید خود را به برجای ماندن جمهوری اسلامی از دست داده اند.

گرامی باد . . .

ساله بود که به جنبش انقلابی توده های مردم ایران علیه رژیم شاه پیوست. در جریان مبارزه و سرنگونی رژیم شاه به صفوف سازمان ما پیوست. و فعالانه در تبلیغ مواضع سازمان از طریق پخش اعلامیه، نشریات سازمان و شعارنویسی کوشید. در جریان انشعاب بزرگ در سازمان ما، از مشی انقلابی فدائیان اقلیت دفاع نمود و به مبارزه خود در بخش دانش آموزی ادامه داد. فعالیتهای آگاه گرانه و انقلابی او منجر به اخراج وی از دبیرستان خوارزمی شد. هر چند که او را دوباره پذیرفتند، اما رفیق پیام هنریار پیگیرانه به مبارزه خود ادامه داد. در سوم آبان ماه ۱۳۶۰ هنگامی که اعلامیه های سازمان را پخش میکرد، دستگیر شد. او در زندان نیز قاطعانه در برابر جلدان حکومت اسلامی ایستاد و از آرمانها و اهداف انقلابی خود دفاع نمود. او را به اعدام محکوم کردند و در تاریخ پانزدهم آذر همان سال در حالی که هنوز بیست سال نداشت در برابر جوخه اعدام قرار گرفت.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای ازنامه‌های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار مییابد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هائی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوماً بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامو یا تشکلهای نامیابند. از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

آلمان _ دوست عزیز امیر _ پ : نامه شما مبنی بر دریافت منظم نشریه کار به دستمان رسیده، نوشته بودید از نظرامکانات مالی، در وضعیت خوبی قرار ندارید و این مسئله موجب آن شده که قادر به پرداخت کامل وجه اشتراک نباشید . ضمن آرزوی برطرف شدن مشکل مالی شما، نشریه کار را عجلتاً برایتان فرستادیم. ضمناً مبلغ ۲۰ مارک ارسالی شما را که بابت نشریه فرستاده بودید دریافت کردیم . در هر حال نامه شما را در اختیار انتشارات قرار دادیم تا نسبت به ارسال بعدی نشریه تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

کانادا _ رفیق عزیز ا. ن . نامه شما همراه ۲۰ دلار کانادا را که بابت وجه اشتراک نشریه کار ارسال کرده بودید دریافت کردیم. این موضوع که در نامه خود اظهار امیدواری کرده بودید تا علاوه بر تبلیغ مواضع و برنامه سازمان و پرداخت وجه اشتراک نشریه ، بتوانید به سازمان کمک مالی هم بنمائید و تقویت بنیه مالی سازمان را وظیفه خود تلقی کرده بودید، برای ما بسیار دلگرم کننده بود. یگانه منبع تامین مالی سازمان ، پرداخت حق عضویت اعضا سازمان و بعد از آن کمکهای مالی اعضا، هواداران و سایر دوستداران سازمان می باشد . کمک های مالی رفقای هوادار سازمان می توانند نقش مهمی در پیشبرد وظائف محوله سازمان داشته باشند. این کمک ها ولو هرچقدر هم که ناچیز باشد ، اما چنانچه در ابعادی گسترده و بطور مداوم جریان داشته باشد ، یقیناً بخش مهمی از معضلات مالی سازمان را که امروز به یکی از معضلات جدی ما تبدیل شده است ، برطرف خواهد کرد . پس شما نیز با کمک های مالی خود ، سازمان را در امر مبارزه اش یاری کنید. برای سازمان کمکهای مالی بفرستید و سایر هواداران، دوستان و دوستداران سازمان را به این امر مهم و وظیفه انقلابی تشویق کنید . در خاتمه ، ضمن آرزوی پیروزی شما ، به اطلاعاتان میرسانیم که نشریه کار به آدرس جدید شما فرستاده شد.

گزیده ای از نامه های رسیده

پاکستان _ از کویته پاکستان شماره ۴۸ "پیام زن" ، "نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان" برایمان فرستاده شده است . همچنین یک شماره نشریه این "جمعیت" (مارس ۹۸) ویژه هشتم مارس و تجلیل از روز جهانی زن را دریافت کرده ایم. مطالب مندرج در این شماره حاکی از آن است که این "جمعیت" به مناسبت ۸ مارس مراسمی در گرین هال شهر پشاور پاکستان برگزار نموده که پیش از هزار نفر در آن شرکت نموده اند و بیشتر از یک سوم شرکت کنندگان را زنان تشکیل میدادند. در این نشریه متن سخنرانی های سخنرانان این جلسه نیز بچاپ رسیده است. ضمن تشکر فراوان از این دوستان بخاطر ارسال نشریه، به اطلاع این دوستان و سایر دوستان و تکشل های دیگر که برای سازمان نشریه می فرستند و نشریات خود را تاکنون به آدرس ما در آلمان ارسال می کرده اند، میرسانیم که آدرس ما در هانوفر آلمان فاقد اعتبار است و بعد از این قابل استفاده نمیباشد لطف کنید نشریات خود را به آدرس زیر برایمان بفرستید .

**P. B . 22975
1100 DK Amsterdam
The Netherlands**

آلمان _ نامه بدون نام و امضائی از لایپزیک آلمان برایمان ارسال شده است که نویسنده (یا نویسندگان) خواهان ارسال نشریات سازمان شده است. آدرس این متقاضی نشریه کار در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت تا نسبت به ارسال نشریات اقدام شود.

ایتالیا _ رفیق عزیز ب. ب! یادداشت کوتاه شما را دریافت کردیم. نشریه کار شماره ۳۱۵ نیز مثل شماره های بعدی ، برای شما ارسال شده است ، برای ما مشخص نیست که چرا بدست شما نرسیده است چون برگشت هم نخورده است ! معهذاً این شماره درخواستی را مجدداً برایتان ارسال خواهیم کرد.

سوئد _ چندین اطلاعیه از سوی کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید برایمان فاکس شده است که در یکی از این اطلاعیه ها با عنوان " طرح مشترک ترور وزارت اطلاعات و هیئت مولفه" چنین مطرح شده است که طرح ترور فروروه همسرش را کمیته ای تحت رهبری ناصریان و مجتبی که از شکنجه گران معروف زندانهای اوین و گوهردشت هستند با اضافه پسرانش لاجوردی، ده نمکی و رفیق دوست همراه با چند تن از ماموران بلند پایه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برعهده دارند.

_ همچنین نامه سرگشاده ای از طرف این کانون به ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه نوشته شده است که در آن نسبت به دعوت رسمی دولت فرانسه از خاتمی، اعتراض شده و نویسنده خواستار تجدید نظر نسبت به این دعوت و لغو آن شده است.

آلمان _ دوست بسیار عزیز (د. ش) نامه شما را دریافت کردیم . همانطور که خودتان هم در نامه اشاره کرده اید مدت آبونمان شما درسامبر ۹۸ به پایان می رسد. طبق درخواست خودتان همراه با نشریه فرم آبونه را برایتان ارسال کردیم . همچنین طبق خواست شما آدرس دوستان را در بلژیک که خواستار دریافت نشریه کار شده است ، در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا نشریه و فرم آبونه برای ایشان نیز فرستاده شود.

* کمیته دفاع از زندانیان سیاسی دایران، _ کانادا کارت شما به مناسبت یاد بود و در گرامی داشت قتل عام زندانیان سیاسی شهریور ۶۷ بدستمان رسید. همچنین از آلمان شماره ۷ نشریه ایل گون و از انگلستان شماره ۱۴ کانون ، نشریه کانون ایرانیان لندن را دریافت نمودیم.

با کمال تاسف بعثت یک اشکال فنی که در مورد صندوق پستی سازمان بوجود آمده و نامه ها سهواً به صندوق پستی دیگری ریخته شده بود، نامه هائی که در زیر بدان اشاره میشود، غالباً با تاخیر بسیار زیاد بدست ما رسیده است. ضمن ابراز تاسف عمیق از این موضوع و با پوزش از این اشکالی که ما هیچ سهمی در آن نداشتیم ، بررسی نامه ها را ادامه می دهیم.

انگلستان _ دوست عزیز ح. آ ، نامه شما را که با تاخیر زیادی بدست مان رسیده بود، در اختیار تشکیلات خارج کشور سازمان قرار دادیم تا نسبت به درخواست های شما، تصمیمات مقتضی صورت گیرد.

بلژیک _ رفیق عزیز ف_ ر ، نامه شما را بعد از دو بار برگشتی دریافت کردیم، محض اطلاع شما، از اردیبهشت ۷۷ به بعد، نشریه کار در فرانکفورت آلمان ادرسی ندارد، در فرانسه نیز از خرداد بیعد آدرس ما تغییر کرد. از اینرو نامه شما هم به آلمان و هم به فرانسه برگشت خورد. آدرسها و تغییرات مربوط به آن در نشریه کار درج میشود. در هر حال با ابراز تاسف از اشکالات بوجود آمده و اظهار خوشحالی از اینکه بالاخره نامه شما را دریافت کردیم، به اطلاعاتان میرسانیم که چون هنوز نشریه کار شماره ای که در دست دارید آماده چاپ نبود، از شماره قبلی نشریه یک نسخه برایتان ارسال گردید. در ضمن تقریباً همزمان با دریافت نامه شما، نامه ای هم از یکی از دوستان شما از آلمان (که در همین شماره نشریه به آن اشاره شده است) که طی آن آدرس شما را به منظور ارسال نشریه کار در اختیار ما قرار داده بود، بدستمان رسید. در هر صورت آدرس شما در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت تا نسبت به ارسال منظم نشریه اقدام شود. پیروز باشید و برای ما باز هم نامه بنویسید.

بلژیک _ رفیق عزیز ه ، نامه شما را در مورد یکی از رفقای هوادار سازمان (ش. غ) نیمه اول دسامبر دریافت کردیم. این نامه را در اختیار تشکیلات خارج کشور سازمان قرار دادیم تا نسبت به درخواست شما تصمیمات لازم اتخاذ شود. پیروز باشید.



اطلاعیه

اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر و

بازداشت مدیر عامل و معاون کارخانه توسط کارگران

حدود ۲۵۰۰ تن از کارگران نساجی قائم شهر که چندین ماه است دستمزد آنها پرداخت نشده و در خطر اخراج نیز قرار دارند، از روز یکشنبه ۲۴/۸/۷۷ با برپایی یک اعتصاب و اشغال کارخانه، مدیر عامل و معاون وی را بازداشت نمودند.

در طی چندماه گذشته، کارگران مکرر به اشکال مختلف نسبت به عدم پرداخت دستمزدها و به تعویق افتادن مداوم آن اعتراض نمودند. مدیران کارخانه و مسئولین دولتی پیوسته به آنها وعده دادند، اما این وعده ها به جایی نرسید و خواستهای کارگران بلاجواب ماند.

لذا، کارگران با توسل به اعتصاب، توأم با اشغال کارخانه و بازداشت مدیران برای تحقق خواستهای برحق خود دست به عمل زدند.

این اقدام انقلابی کارگران نساجی قائم شهر، پاسخ قاطعی است به کسانی که زندگی کارگران را به بازی گرفته و در چندماه گذشته از پرداخت دستمزد کارگران سرباز زده اند.

این تنها کارگران نساجی قائم شهر نیستند که با زورگویی سرمایه داران و اوضاع اسف بار مادی روبرو هستند، عموم کارگران نساجی و نیز در اغلب رشته های صنعت، کارگران با وضعیت مشابهی روبرو هستند. سرمایه داران و دولت آنها که سالها دسترنج کارگران را به جیب زده اند، اکنون در کارخانه های مختلف، به بهانه های واهی از پرداخت دستمزد کارگران سرباز می زنند، چندین ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده و علاوه بر این گروه کارگران را اخراج می کنند. هم اکنون صدها هزار کارگر در سراسر ایران وجود دارند که چندین ماه است دستمزد آنها پرداخت نشده است. صدها هزار تن از کارگران نیز در یک سال گذشته اخراج شده اند و میلیونها کارگر در چنگال فقر و گرسنگی گرفتارند.

این است شمره نظام سرمایه داری و حاکمیت جمهوری اسلامی برای میلیونها کارگر ایران. کارگران ایران راه دیگری جز اتحاد و مبارزه برای تحقق مطالبات خویش و مبارزه علیه نظم غیر انسانی و ستمگرانه موجود ندارند. سازمان فدائیان (اقلیت) از اقدام انقلابی کارگران نساجی قائم شهر برای احقاق حقوق خود پشتیبانی می کند و خواستار آن است که هر چه سریعتر خواستهای کارگران متحقق شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷/۸/۳۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

گزیده ای از نامه های رسیده

مجاهدین در جلسه به سئوالات یکی دیگر از شرکت کنندگان که او هم از ابتدا تا انتها در این اعتصاب شرکت داشته است، از جمله می نویسد "یکی از دوستان که از شب نخست اعتصاب حضور فعال داشت از مسئول جلسه پرسید آیا بحث آزاد می باشد یا مربوط است به جلسه مجاهدین؟ مسئول جلسه پاسخ داد بحث آزاد می باشد و شما هم می توانید سئوالات را مطرح کنید. این دوست عزیز به علامت سئوال دستش را بلند کرد و از آقای... (مسئول جلسه) پرسید شما چه تضمین و ضمانتی می سپارید که آقای مسعود رجوی به نام دین و مذهب همان کارهایی را سر مردم ایران بیاورد که سران جمهوری اسلامی ایران به همین نام ها در آورده اند؟ مضاف بر اینکه مردم ایران مار گزیده هستند و از ریسمان سیاه و سفید می ترسند؟ آقا فرهاد، اولین کسی که در آن جلسه برخاست و به این هموطن و دوست نازنین پرخاش کرد من بودم و بعد آقای... و تا حدودی هم آقای... جو جلسه کلیسا متشنج شد آقای... (مسئول جلسه) به سئوال کننده گفت بیرون از کلیسا با شما بحث و گفتگو میکنم. این هموطن پاسخ داد چرا بیرون از جلسه و کلیسا خواهش میکنم در حضور حاضرین بحث و گفتگو کنیم تا شاید من و دیگران متقاعد شویم. گفتگو بی فایده بود..."

آلمان _ از جانب هیئت تحریریه نشریه "آوا" نامه ای برای نشریه کارارسال شده است که در آن درخواست شده تا به منظور برگزیدن مقالاتی از نشریه کار و درج و چاپ آن در نشریه "آوا" یک نسخه از نشریه کار به آدرس این نشریه فرستاده شود. آدرس نشریه آوا را به همین منظور در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا نسبت به ارسال نشریه کار اقدام شود.

سوئیس _ از سوئیس نامه مفصلی با امضا (ب) برایمان ارسال شده است، این نامه نیز با تاخیر بسیار زیادی بدست ما رسیده است. در این نامه که اساساً در پاسخ به نامه ای با امضا فرهاد مندرج در کار ۳۱۴ نوشته شده است، به مسائل مختلفی از جمله به نحوه برخورد مسئولین سازمان مجاهدین در رابطه با سئوالاتی که برای هواداران بوجود می آید، همچنین در رابطه با توهماتی که خود ایشان نسبت به مجاهدین داشته اند، اشاراتی شده است. در این نامه به اعتصاب غذای چند سال قبل مجاهدین در برابر مقر سازمان ملل در ژنو و همچنین جلسهای که در آخرین اعتصاب در یک کلیسا تشکیل شده، اشاره شده است. نویسنده نامه که خود یکی از شرکت کنندگان در این اعتصاب بوده در توضیح نحوه برخورد یکی از مسئولین

متوسط هزینه زندگی و حقوق ماهانه کارمندان

قره باغیان معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی گفت "متوسط حقوق ماهانه کارمندان دولت در حال حاضر ۴۷۰ هزار ریال و متوسط هزینه زندگی یک خانوار شهری یک میلیون و ۱۲۰ هزار ریال است یعنی اگر خانم و آقا هر دو شاغل باشند باز هم کم می آورند!"

استقبال فرانسه از طرح گفتگوی تمدنها و تقدیر از افزایش ارزش مبادلات به ۱۰ میلیارد فرانک

سفیر فرانسه در تهران، آقای فیلیپ دوسورمن در یک گفت و گو با خبرگزاری حکومت اسلامی به گرمی از طرح گفتگوهای تمدنهای آقای رئیس جمهور استقبال کرد. ایشان پس از این استقبال اعلام نمودند که در دوران خاتمی مناسبات فرانسه و حکومت اسلامی به گرمی گرائیده و حجم مبادلات تجاری میان دو کشور در یک سال گذشته به حدود ۱۰ میلیارد فرانک رسیده است. آمار منتشره از سوی اداره گمرک فرانسه نشان میدهد که در سال ۹۷ ارزش واردات ایران از فرانسه ۲۱ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش نشان میدهد.

۱۰ میلیون بی سواد

معاون سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرد که ۱۰ میلیون از جمعیت کشور بی سوادند. این رقم که در مورد صحت آن تردیدهایی زیادی وجود دارد، بی اعتباری تبلیغات و ادعاهای سران حکومت را مبنی بر ریشه کن کردن بیسوادی نشان میدهد.

در همین حال معاون آموزش و نیروی انسانی نهضت سوادآموزی که در خوزستان سخن میگفت اعلام نمود که هم اکنون بیش از ۸۰۰۰۰۰ کودک تا ۱۴ ساله از تحصیل بازمانده اند. وی سپس افزود که از جمعیت ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری استان خوزستان، ۷۳۰ هزار نفر بی سوادند.

رشد نرخ بیکاری

مرکز آمار ایران اعلام کرد که در سال گذشته نرخ بیکاری ۴ درصد افزایش یافت و از ۹ درصد به ۱۲/۱ درصد رسید. روزنامه های رژیم از قول منابع رسمی نوشتند که با توجه به افزایش شدید تعداد بیکاران در سال جاری این رقم احتمالاً به حدود ۲۰ درصد خواهد رسید.

بنیاد مستضعفان و ۶۰۰ میلیارد ریال سود

رفیق دوست رئیس بزرگترین انحصار اقتصادی - مالی وابسته به حکومت اسلامی و دستگاه روحانیت، در اوائل آذرماه در جلسه غیر علنی مجلس ارتجاع اسلامی حضور یافت تا در مورد سوء استفاده ها و عملکرد این بنیاد به نمایندگان توضیح دهد. نوبخت عضو هیئت رئیسه مجلس سپس در گفتگویی با خبرنگاران گفت بنیاد مستضعفین بیش از ۴۰۰ واحد صنعتی تولیدی و خدماتی بزرگ را در اختیار دارد و در سال ۱۳۷۶، ۶۰۰ میلیارد ریال سود برده است.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

« دفاع از آزادی » واقعا تماشائی است

موجود را درهم خواهد کوبید. این طوفان، انقلاب توده‌ای است.

اما جنبش لیبرالی در این محدوده باقی نمانده و در غیاب یک جنبش توده‌ای نیرومند، گروهی از دمکراتها و حتی آنهایی را که ظاهرا دعای کمونیست و مارکسیست بودن دارند، به درون خود کشیده و با خود همراه ساخته است.

در ادامه این روند، تلاشهایی در جریان است که جبهه‌ای رسمی نیز از این جریان‌ها شکل بگیرد که یک سران در درون رژیم جمهوری اسلامی و سر دیگر آن چپهای لیبرال است. اما شکل‌گیری این جبهه با موانعی روبروست که یکی از مهم‌ترین آنها خط و مرزهای اصولی میان انقلاب و ضدانقلاب، مرزبندی جبهه انقلاب با بورژوازی و عوامل رفرمیست آن در جنبش‌هاست. حالا تلاشی آغاز شده تا این مانع از میان برداشته شود، این طور وانمود کنند که بورژوازی و پرولتاریا هر دو به یکسان طرفدار تحول در وضع موجودند، مارکسیست‌ها به همان اندازه انقلابی هستند که مثلا بورژوازی متشکل در جبهه ملی، هر دو به یک اندازه مدافع آزادی هستند و نه تنها بد نیست بلکه خیلی هم خوب و مثبت است که مثلا چپهای مارکسیست با بورژوازی از هر قماش در یک جبهه جمع شوند و برای اصلاحات در نظام موجود و برقراری یک حکومت دمکراتیک تلاش نمایند. این خط مشی اکنون بدین شکل پیش می‌رود که برخی از افراد غیر متشکل یا رهبران سازمانهایی که ادعای کمونیست بودن دارند، با سران اپوزیسیون بورژوازی و لیبرال رفرمیست‌ها تحت هر بهانه و توجیهی سندی را امضا و در سطح جنبش منتشر میکنند، تا آرام آرام معیار هائی را که در جنبش چپ شکل گرفته درهم بشکنند و آنگاه دیگر برای این جریان‌ها آسان‌تر است که به نام سازمانهایشان جبهه‌ای را تشکیل دهند که در برگرفته طیفی از درون حکومت تا چپهای لیبرال باشد. نمونه این تلاش را در اطلاعیه‌ای می‌یابیم که در هشتم آبان‌ماه با عنوان "در دفاع از آزادی اندیشه و بیان و محکومیت مکتب چماق داری" به امضا دهها تن از این افراد رسیده است که از همه قماش آدمی از بقایای جبهه ملی‌گرفته، تا اکثریتی‌ها و از مانوئیستهای دو آتش سابق گرفته تا سابقا چریک فدائی، از سران اتحاد فدائیان گرفته تا راه کارگری‌ها در میان آنها یافت می‌شوند. از جمله این امضاکنندگان علی‌کشتگر، حماد شیبانی، قربانعلی عبدالرحیم پور، مستوره احمدزاده، پرویز نویدی، بیژن رضائی، مرتضی محیط ناصر رحیم خانی، هایدی مغیثی، علی اصغر حاج سیدجوادی، حسن حسام، ناصر پاکدامن، عبدالکریم لاهیجی، کامبیز روستا، محمود راسخ، عباس عاقلی زاده، بهمن نیرومند و مهدی فتاپور هستند. توجیه‌ظاهری این اطلاعیه هم حمله مجاهدین خلق به جلسه سخنرانی علی‌کشتگر است. آقای علی‌کشتگر که زمانی در راس سازمان "اکثریت همکار لاجوردی در سرکوب و کشتار مخالفین حکومت اسلامی بود، پس از ترور جلال اوین توسط مجاهدین خلق، این اقدام را محکوم کرد. در پی این مساله گروهی از طرفداران سازمان مجاهدین به جلسه سخنرانی او در آلمان حمله میکنند و به او می‌گویند که اگر در همان جا

رسمالظهار ندامت کند، میتواند به سخنرانی خود ادامه دهد. در غیر این صورت باید آنجا را ترک کند. طرفداران مجاهدین خلق در این حمله شعار مرگ بر کمونیسم سر میدادند. در پی این ماجرا است که اطلاعیه "دفاع از آزادی اندیشه و بیان..." منتشر گردید.

ماهیت ارتجاعی و ضد دمکراتیک مجاهدین خلق اکنون سالهاست که حتی بر بخش وسیعی از توده‌های مردم ایران روشن شده است، اگر کسانی تاکنون به دشمنی آشنی ناپذیر مجاهدین خلق با آزادیهای سیاسی پی نبرده بود و تازه به این مساله پی برده است، به کند ذهنی خود آنها مربوط است. در بین امضا کنندگان افرادی یافت میشوند که تا همین چندی پیش متحد مجاهدین بودند و علیه کسانی که افشا ماهیت این جریان را در دستور کار خود قرار دادند، به همان اراجیف و شیوه‌های ضد دمکراتیک مجاهدین خلق متوسل میشدند. هفده سال پیش هنگامیکه "اقلیت افشا" همه جانبه ماهیت بورژوازی و ضد دمکراتیک مجاهدین خلق را در دستور کار خود قرار داد، چپهای ما که هنوز سازمان مجاهدین را انقلابی و دمکرات می‌پنداشتند، برآشفته شدند. اما به مرور حتی عقب مانده ترین افراد و جریان‌ها هم فهمیدند که مجاهدین چه نیروی خطرناک و ضد دمکراتیکی هستند. حالا مساله این است که پس از گذشت سالها از افشا ماهیت ضد دمکراتیک مجاهدین و دهها و صدها نمونه عملی از اقدامات ضد دمکراتیک آنها، چه شد که عده‌ای به فکر دفاع از آزادیهای سیاسی و علیه چماقداری مجاهدین افتادند؟ چرا اینها تاکنون به فکر محکوم کردن دهها نمونه از اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی سازمان مجاهدین خلق نبودند؟ چه شد که اینها به فکر محکوم کردن چماقداری و اقدامات ضد دمکراتیک امثال علی‌کشتگر نیافتادند. چماقداری و نقض دمکراسی و آزادی صرفا برهم زدن جلسات مخالفین نیست. کسانی که هم دست اوایش حزب الله، سپاه پاسداران و دادستانی اوین در سرکوب سازمانهای انقلابی و مخالف رژیم بودند و صدها انقلابی را به دست جلاان حکومت الله سپردند، چماقدار که چه عرض کنیم، خیانت کردند. به همین اطلاعیه نیز که نگاه کنیم، این قهرمانان دفاع از آزادی سیاسی از همه چیز سخن گفتند، الا از این که شعار مجاهدین مرگ بر کمونیسم بود. انصاف باید داد که نمی‌شود در جمعی که بخش قابل ملاحظه آن‌ها کمونیسم و کمونیست‌ها دشمنی آشنی ناپذیر دارند، شعار مرگ بر کمونیسم را محکوم کرد. این فقط مجاهدین خلق نیستند که شعار مرگ بر کمونیسم میدهند، امثال آقای کشتگر هم همین کار را می‌کنند، منتها اکنون دیگر به شیوه‌ای "متمدانه"! همین واقعیات روشن می‌سازد که اینان از کدام آزادی سخن می‌گویند، آزادی ادعائی طرفداران خاتمی که بخشی از امضاها متعلق به آنهاست، جز این نمیتواند باشد. لذا ماهیت آن آزادی بیان و اندیشه که امضا کنندگان از آن سخن می‌گویند، روشن است. واقعا تماشائی است وقتی که متحدین دیروز خمینی و مولفین غیر رسمی امروز خاتمی، به همراه به اصطلاح چپهای ما مشترکا میخواهند از "آزادی بیان و اندیشه" دفاع کنند. اما هرآنچه که از دیدگاه چپ رادیکال، این قضیه مسخره جلوه کند، اما قطعا از دیدگاه دست اندرکاران تهیه

اطلاعیه کاملا به جا و با معناست. لااقل از دیدگاه بخشی از آنها بیش از آن که مساله دفاع مشترک با اصطلاح لیبرالها، لیبرال رفرمیست‌ها و چپهای لیبرال از آزادی حائز اهمیت باشد، خود این اطلاعیه و امضا‌های زیر آن حائز اهمیت است. چرا که در پوشش چنین اطلاعیه‌هایی هدف دیگری دنبال میشود. گروهی آگاهانه و پیگیرانه در تلاش اند تا جبهه‌ای را تشکیل دهند که در یک سوی آن جناحی از درون خود رژیم و در سوی دیگر آن بخشی از بااصطلاح چپها قرار میگیرند. در این میان هستند کسانی که از اصل ماجرا بی‌خبرند و از روی ساده لوحی پای چنین اطلاعیه‌هایی را امضا میکنند، هر چند که توجیه و جودی جنبش لیبرالی و دست اندرکاران تقویت آن، تا هنگامی است که جنبش انقلابی توده‌های وسیع مردم به عنوان یک جنبش مستقل وارد صحنه نشده است و به محض این که این جنبش قدم به میدان بگذارد جریان‌ها لیبرال‌ها را به فرار می‌گذارند و جنبش لیبرالی نیز ذوب میشود و از میان میرود، اما چپ رادیکال که مدافع سرنگونی تام و تمام نه فقط جمهوری اسلامی بلکه بورژوازی از قدرت است و از انقلاب و پیگیرترین دمکراسی دفاع میکند، نمیتواند از افشای تلاشهای بورژوازی لیبرال‌ها و آزادی خواهی دروغین آنها، غفلت ورزد. ما نه تنها با حکومت اسلامی بلکه با تمامیت بورژوازی و تمامیت نظم سرمایه‌داری موجود دشمنی آشنی ناپذیر داریم.

ارگان و سخنگوی ولی فقیه هم

زنگ خطر را به صدا در آورده است

معمولا رژیمهای خودکامه تا لحظه‌ای که سقوط میکنند، همواره به خود اطمینان میدهند که اوضاع خوب و رضایت بخش است و تا ابد دوام خواهند آورد. رژیم شاه که تصور میکرد، جزیره ثباتی که با کشتار و سرکوب و اختناق ایجاد کرده است، با هیچ طوفانی روبرو نخواهد شد و سلطنت پهلوی‌ها نسل اندر نسل ادامه خواهد یافت، تنها هنگامی آرزوهای خود را بر باد رفته دید که طوفان انقلابی خلق، جزیره ثبات و آرامش را چنان متلاطم ساخت که صدای انقلاب را شنید و دیگر هیچ آمیدی به ماندن نداشت.

جمهوری اسلامی هم در دوران حیات ۲۰ ساله اش پادرجای پای رژیم شاه نهاد و با کشتار و سرکوب و اختناق در این پندار واهی بود که حکومت الله در ایران جاودانه خواهد شد. هیچ کسی هم در درون رژیم به ذهن اش خطور نمیکرد که این رژیم هم رفتنی است، تا چه رسد به این که آن را بر زیان آورد. اما به موازات تشدید نارضایتی و بحران که جنبش‌های نیمه اول دهه ۷۰ تجلی آن بود، برخی از جناحهای درونی رژیم زودتر از دیگران فهمیدند که اوضاع به مرحله‌ای از وخامت رسیده که دیگر نمیتوان به شیوه گذشته حکومت کرد، معذرا هنوز هم دستجاتی بوده و احتمالا هستند که این را نفهمیده‌اند که اوضاع سخت بحرانی است و رژیم نمیتواند از این بحران و نارضایتی مردم جان سالم بدر ببرد. حالا که یک سال و اندی از دوران زمامداری خاتمی گذشته

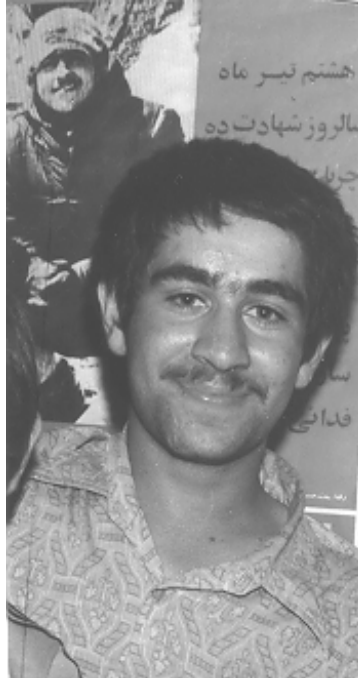
یادداشت‌های سیاسی

«دفاع از آزادی» واقعا تماشائی است

در کشورهای که دیکتاتوری عربیان و آشکار بورژوازی حاکم است، معمولا هنگامی که بحران فروپاشی رژیم آغاز میگردد، یک جنبش لیبرالی نیز از درون جناحهایی از طبقه حاکمه و اقبشار مرفه شکل میگیرد که هدف و رسالت خود رامهار و کنترل بحران از طریق حک و اصلاح و رفرمهای ناچیز در نظام موجود قرار میدهد. در ایران نیز در حالی که بحران فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده، معهذاً هنوز بحران سیاسی تا بدان حد عمق و ژرفا نیافته که کارگران و زحمتکشان در یک جنبش توده ای مستقل علنی وارد عرصه مبارزه سیاسی شوند، آنچه که شکل گرفته است، یک جنبش لیبرالی است که سر دمداران آن بورژواهای ریز و درشت، بخشا از درون خود هیئت حاکمه نظیر مجمع روحانیون، سران خانه کارگر، مجاهدین انقلاب اسلامی و مولتفین رسمی و غیر رسمی آنها در خارج از حاکمیت نظیر بقایای جبهه ملی، نهضت آزادی، لیبرال_ رفرمیستهای امثال توده‌ای‌ها و اکثریتیها، باصطلاح چپهای لیبرال متشکل یا منفرده، تشکلهای دانشجویی وابسته به این دستجات، گروههایی از استادان دانشگاه، وکلای دادگستری، نویسندگان، روزنامه نگاران و امثالهم، هستند. همه اینها بدون استثنا برای رفع این بحران در چارچوب نظم موجود تلاش میکنندو تمام امید خود را به خاتمی و کابینه او بسته اند. هرچند که خاتمی نیز در عمل نشان داده است که کاری از وی ساخته نیست، اما جنبش لیبرالی نمیتواند به چیز دیگری جز امید بستن به استحاله لیبرالی رژیم از درون خود رژیم امید داشته باشد، چرا که اگر خاتمی نتواند از عهده این وظیفه برآید و سریعا استحاله لیبرالی رژیم تحقق نیابد، آنگاه به زبان خود آنها به جای باران سیل براه خواهد افتاد و چنان طوفانی بپا خواهد شد که نه تنها حکومت اسلامی و طرفداران استحاله رژیم بلکه تمام نظم

صفحه ۱۵

گرامی باد یاد رفیق پیام هنریار



اخیرا زندگی نامه یکی از جانباختگان فدائی که به دست جلادان حکومت اسلامی تیرباران شد، به دست ما رسیده که در این شماره نشریه کار درج میشود.

رفیق پیام هنریار در چهارم فروردین ۱۳۴۱ در یک خانواده سیاسی متولد شد. پدرش از افسران سازمان نظامی حزب توده شاخه هوایی بود که در دوران حکومت محمدرضا شاه به حبس ابد محکوم شدو بعد از ۶ سال و اندی آزادشد. پدر بزرگش نیز از هم رزمان ارانی بود که در دوران حکومت رضا خان به ۵ سال حبس محکوم شده بود.

رفیق پیام هنریار در جریان انقلاب ۱۳۵۷، شانزده

صفحه ۱۴

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید.

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaeian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد I . S . F
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس Sepehry
Postlagernd 4018 Basel
Switzerland

فرانسه A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 320 dec 1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق